

فصل ۱

کلیات

اهداف و ساختار کتاب درسی

کتاب درسی پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک یکی از شش درس کارگاهی تخصصی این رشته، با ۸ واحد نظری و عملی تهیه شده است. هدف اصلی این کتاب آشناکردن هنرجویان با روش‌های پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک و ارائه فعالیت‌هایی در این راستاست. بر همین اساس، مطالب این کتاب، ضمن ارائه فعالیت‌های مختلف و بیان یافته‌های علمی و تحقیقی و ضرورت‌ها، کمک می‌کند تا علاوه بر شناخت اهمیت و ضرورت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی و راه‌های آموزش آن در زندگی کودک، با ارائه فعالیت‌های گام به گام، این مهم تحقق پیدا کند.

محتوای اصلی کتاب درسی، شامل ۵ پودمان است که در زیر به طور خلاصه به اهداف آنها اشاره می‌شود:

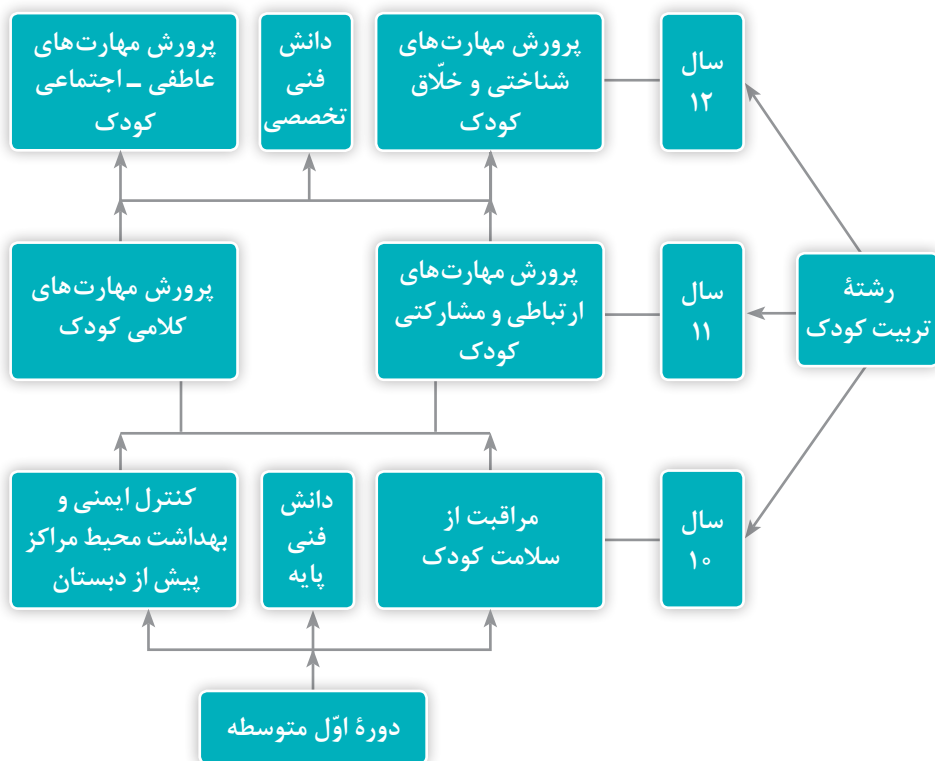
پودمان اول: آشناکردن هنرجویان با خودآگاهی و پرورش آن در کودکان؛
پودمان دوم: آشناکردن هنرجویان با روش‌های پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران، ابراز همدلی و ابراز وجود؛
پودمان سوم: آشناکردن هنرجویان با روش‌های برقراری ارتباط کودک با بزرگسالان، همسالان و کودکان با نیازهای ویژه؛
پودمان چهارم: آشناکردن هنرجویان با پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه و آموزه‌های دینی؛
پودمان پنجم: آشناکردن هنرجویان با روش‌های پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی.

برای ارتقای کیفیت تدریس و کسب مهارت حرفه‌ای لازم است میزان خودآموزی، خودفهمی و خودانگیزی هنرجویان افزایش یابد و این برعهده هنرآموزان عزیز است که زمینه را فراهم سازند.

توجه: جهت اجرای برخی از فعالیت‌ها لازم است با مراکز پیش دبستانی هماهنگی‌های لازم انجام شود. پیشنهاد می‌شود حداقل ماهی یک جلسه بین ۴ تا ۶ ساعت، هنرجویان در مراکز پیش دبستانی حضور یابند و فعالیت‌های مورد نظر را انجام دهند. لازم به یادآوری است که چون هر دو درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک و پرورش مهارت‌های شناختی و خلاق کودک به صورت موازی اجرا می‌شوند، با هماهنگی هنرآموزان، فعالیت‌های هر دو درس به طور هم‌زمان در مراکز پیش دبستانی انجام شود.

مسیر هدایت تحصیلی دروس تخصصی رشته

هدایت از طریق در اختیار قرار دادن اطلاعات شغلی و حرفه‌ای صورت می‌گیرد که بخشی از آن در برنامه درسی رشته وجود دارد و بخش‌های دیگر که شامل مسیر توسعه حرفه‌ای است از طریق بازدید و کارآموزی محقق می‌شود. مسیر هدایت تحصیلی دروس تخصصی رشته از پایه دهم تا دوازدهم در نمودار زیر نمایش داده شده است:



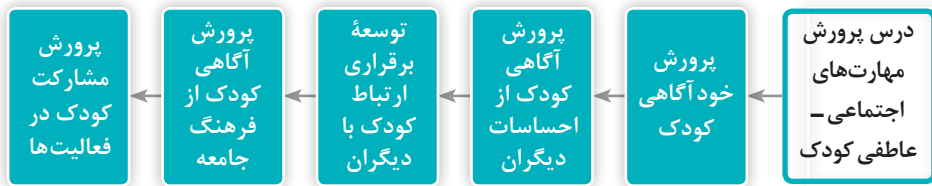


فصل ۲

معرفی واحدهای یادگیری

سازماندهی محتوا

درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک در سال دوازدهم در قالب پنج پودمان مستقل از یکدیگر به صورت خطی ارائه می‌شود. سازماندهی تکالیف کاری به صورت خطی است و مراحل کاری به صورت ارائه دانش در قالب تکالیف یادگیری ساخت یافته و مهارت بعد از آن به صورت تمرین عملی در حیطه وسعت محتوا به ترتیب آورده می‌شود. شایستگی‌های غیر فنی، زیست محیطی، ایمنی و نگرشی به صورت تلفیقی در دانش و مهارت ارائه می‌شود.



شایستگی‌های مورد انتظار

الف) شایستگی‌های فنی

۱ پرورش خود آگاهی کودک

- ۱-۱ توسعه شناخت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛
- ۱-۲ پرورش بیان توانمندی‌ها و محدودیت‌های کودک؛
- ۱-۳ پرورش بیان هیجانات.

۲ پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران

- ۲-۱ توسعه درک احساس دیگران (از طریق ارتباط کلامی و غیر کلامی)؛
- ۲-۲ پرورش ابراز همدلی با دیگران؛
- ۲-۳ پرورش ابراز وجود.

۳ توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران

- ۳-۱ توسعه برقراری ارتباط با بزرگسالان (مربیان، مراقبان، والدین و ...)
- ۳-۲ توسعه برقراری ارتباط کودک با همسالان؛
- ۳-۳ توسعه برقراری ارتباط با کودکان با نیازهای ویژه.

۴ پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه

- ۴-۱ پرورش آداب اجتماعی - اخلاقی؛
- ۴-۲ پرورش آموزه‌های دینی، ملی و مناسبت‌های اجتماعی؛
- ۴-۳ توسعه احترام به محیط زیست؛
- ۴-۴ پرورش احترام به حقوق شهروندی.

۵ پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌ها

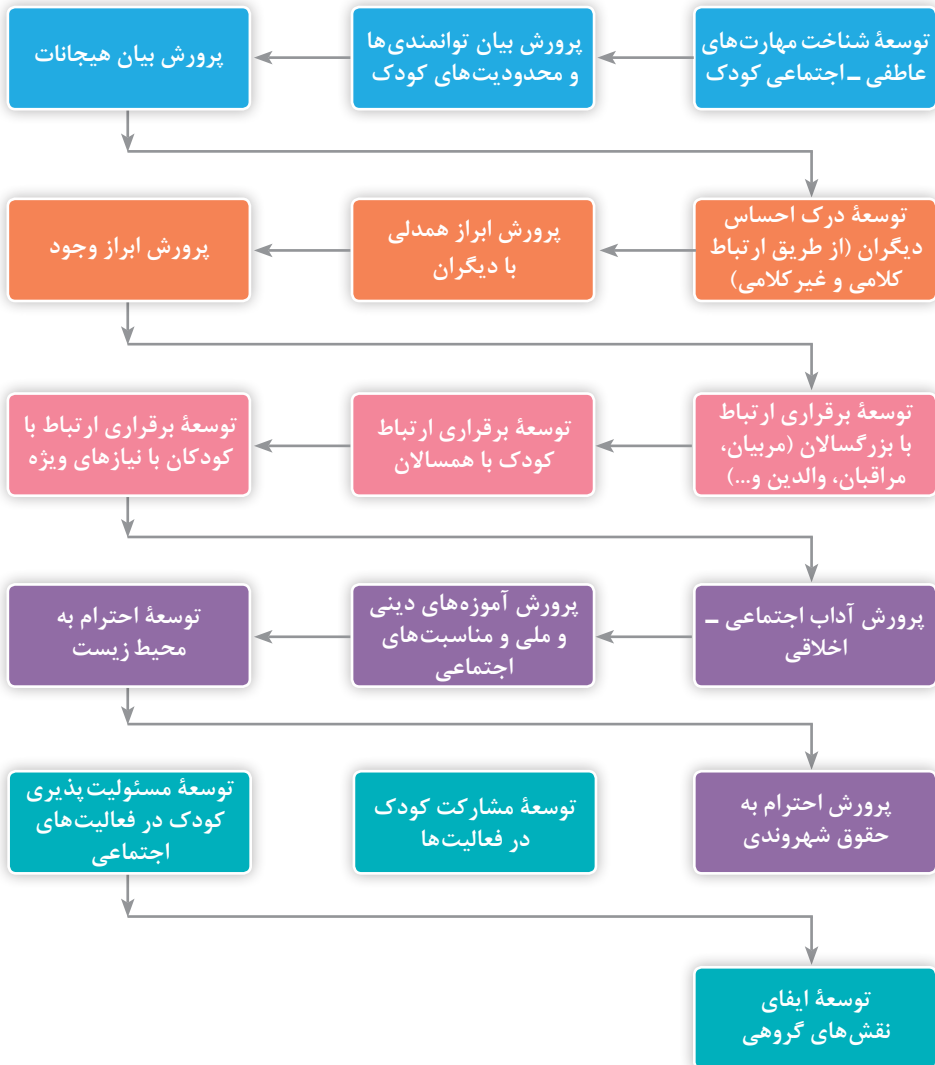
- ۵-۱- توسعه مشارکت کودک در فعالیت‌ها؛
- ۵-۲- توسعه مسئولیت‌پذیری کودک در فعالیت‌های اجتماعی،
- ۵-۳- توسعه ایفای نقش‌های گروهی.

ب) شایستگی‌های غیر فنی:

- ۱- مسئولیت‌پذیری؛
- ۲- یادگیری؛
- ۳- شرکت در اجتماعات و فعالیت‌ها؛
- ۴- مهارت گوش کردن؛
- ۵- اجتماعی بودن؛
- ۶- احترام گذاشتن به ارزش‌های دیگران؛
- ۷- داشتن درک درست از سیستم سازمانی.

مسیر یادگیری درس مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک

- پرورش خودآگاهی کودک؛
- پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران؛
- توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران؛
- پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه؛
- پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌ها.



اهداف تفصیلی درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک

عناصر / عرصه	رابطه با خویشتن (روح، روان و جسم)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها)	رابطه با خلقت
تعقل، تفکر و اندیشه‌ورزی	۳- توجه به اخلاقی حرفه‌ای خود در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - درک وظایف خویش در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ ۴- توجه به مسئولیت‌های محوله در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - کشف توانایی‌های خلاق خویش برای پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک ۵- توجه به وظایف خود در رابطه با اصول پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - تجزیه و تحلیل وظایف شغلی خود در رابطه با پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک.	۳- تفکر در آیات الهی در رابطه با مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - درک دلایل آفرینش انسان‌ها توسط خداوند و برقراری ارتباط بین آنها؛ ۴- توجه به اخلاق اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - توجه به دستورات الهی در جهت برقراری ارتباط اجتماعی سالم؛ ۵- تأمل در احکام تربیتی اسلام برای پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - توجه به سیره تربیتی ائمه <small>علیهم‌السلام</small> در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی سالم کودک به عنوان امانت الهی.	۳- درک ارتباط مؤثر با همکاران در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک و والدین در مراکز پیش از دبستان - توجه به مدیریت عواطف کودکان در بهبود مهارت‌های عاطفی-اجتماعی خود؛ ۴- تفکر در حل خلاقانه مسائل عاطفی-اجتماعی کودکان؛ - خردورزی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ ۵- تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات عاطفی-اجتماعی کودکان؛ - توجه به تفاوت‌های فردی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک.	۳- درک قوانین محافظت از محیط زیست؛ - توجه به مشارکت در حفظ محیط زیست در بحران‌ها؛ ۴- خلاقیت در استفاده بهینه از محیط زیست در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - تدبیر در ایمنی و بهداشت محیط آموزشی؛ ۵- تجزیه و تحلیل نقش طبیعت در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - درک تأثیر پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک در کاهش صدمات زیست‌محیطی.

اهداف تفصیلی ۱ و ۲ برای شایستگی‌های عمومی است.

عناصر عرصه	رابطه با خویشتن (روح، روان و جسم)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها)	رابطه با خلقت
ایمان و باور	۳- افزایش علاقه مندی خود به کاربرد فناوری‌های نو در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - باور به یادگیری مستمر خود در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ ۴- ارتقای مسئولیت‌پذیری خویش در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - پذیرش خودباوری در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ ۵- علاقه مندی به شغل خویش در اجرای وظایف مربوط به پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - پذیرش اخلاق حرفه‌ای خود در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک.	۳- التزام قلبی به دستورات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - ایمان به تفکر دینی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۴- پذیرش اخلاق اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی با توکل به خداوند؛ ۵- نگرش مثبت به دستورات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - باور به آیات الهی در اهمیت پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی.	۳- باور به مشارکت همکاران در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - ارزش‌گذاری به نگرش سیستمی در جلب مشارکت کودکان برای ایجاد ارتباط عاطفی و اجتماعی صحیح با دیگران؛ ۴- علاقه به آموزش و پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - نگرش مطلوب به طراحی فعالیت‌های آموزشی مبنی بر پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۵- ارزش‌گذاری به نقش مربی در ایجاد محیط گرم و صمیمی برای کودک؛ - باور به نقش یادگیری مهارت‌های عاطفی - اجتماعی در ایجاد محیط معنوی برای کودک.	۳- نگرش مطلوب به استفاده بهینه از منابع طبیعی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - ارزش‌گذاری به مهارت‌های سالم عاطفی - اجتماعی در حفظ محیط زیست؛ ۴- مسئولیت‌پذیری در حفظ منابع طبیعی برای پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - خردورزی در حفظ وسایل و ابزار مورد نیاز در محیط آموزش کودک در رابطه با مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۵- علاقه مندی به حفظ منابع طبیعی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - نگرش مثبت به نقش محیط در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک.

اهداف تفصیلی ۱ و ۲ برای شایستگی‌های عمومی است.

عناصر / عرصه	رابطه با خویشتن (روح، روان و جسم)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها)	رابطه با خلقت
علم (کسب معرفت شناخت، بصیرت و آگاهی)	۳- افزایش علاقه‌مندی خود به کاربرد فناوری‌های نو در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - باور به یادگیری مستمر خود در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ ۴- ارتقای مسئولیت‌پذیری خویش در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - پذیرش خودباوری در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ ۵- علاقه‌مندی به شغل خویش در اجرای وظایف مربوط به پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛ - پذیرش اخلاق حرفه‌ای خود در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک.	۳- شناخت آیات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - بصیرت به نقش تفکر در دستورات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۴- آگاهی از قوانین اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - شناخت اخلاق اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۵- کسب معرفت از آیات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - آگاهی از سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در انجام وظایف شغلی خود در زمینه پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی.	۳- شناخت ارتباط مؤثر با همکاران در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - شناخت تفکر خلاق در آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی به کودکان؛ ۴- آگاهی از مسئولیت همکاران در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - شناخت اهمیت خودباوری کودکان برای پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۵- آگاهی و درک مشکلات در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - آگاهی از اثرات مفید کار گروهی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی.	۳- آگاهی از مدیریت منابع محیطی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛ - آگاهی از تأثیر مهارت‌های عاطفی - اجتماعی در کاهش صدمات زیست محیطی؛ ۴- شناخت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی با استفاده از منابع زیست محیطی؛ - شناخت روش‌های آموزش حفظ محیط زیست در جهت ایجاد مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ ۵- شناخت روش‌های بهینه‌سازی محیط زیست برای پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛ - شناخت روش‌های مدیریت عواطف در حفظ محیط زیست.

اهداف تفصیلی ۱ و ۲ برای شایستگی‌های عمومی است.

عناصر عرصه	رابطه با خویشتن (روح، روان و جسم)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها)	رابطه با خلقت
عمل (کار، تلاش، اطاعت، عبادت، مجاهدت، کارآفرینی، مهارت و ...)	۳- افزایش تلاش خویش در به‌کارگیری فناوری‌های نو در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - افزایش تلاش خویش در اجرای دقیق پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ ۴- افزایش مهارت خود در به‌کارگیری روش‌های خلاق در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - افزایش مسئولیت‌پذیری خود در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ ۵- ارتقای مهارت خود در اجرای مؤثر پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک؛ - ارتقای مهارت خود در به‌کارگیری روش‌های نو در آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک.	۳- پایبندی به احکام اسلام در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - تلاش در کسب اطلاعات دینی در اجرای فعالیت‌های آموزشی مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ ۴- به‌کارگیری اخلاق اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - تلاش در به‌کارگیری ارزش‌های دینی و مذهبی در آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ ۵- کاربرد آیات الهی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - به‌کارگیری آداب و سلوک اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی.	۳- مهارت در ارتباط مؤثر با همکاران برای آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودکان؛ - مهارت در بهبود روابط عاطفی-اجتماعی کودکان در فعالیت‌ها؛ ۴- حضور با نشاط در فعالیت‌های آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - کاربرد روش‌های خلاق در پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودکان؛ ۵- کسب مهارت در آموزش فعالیت‌های رشد عاطفی-اجتماعی کودکان؛ - تلاش در جهت نظارت مؤثر بر آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودکان.	۳- کاربرد فناوری‌های نوین در به‌حداقل رساندن صدمات زیست‌محیطی در انجام فعالیت‌های آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - رعایت بهداشت و ایمنی محیط در انجام فعالیت‌های آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ ۴- به‌کارگیری اصول و روش‌های پیشگیری از صدمات زیست‌محیطی در آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - مسئولیت‌پذیری در جهت حفظ محیط زیست در اجرای فعالیت‌های آموزشی مرتبط با مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ ۵- استفادهٔ بهینه از منابع زیست‌محیطی در آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی؛ - تلاش در کاهش دورریزها به‌منظور حفظ بهداشت محیط زیست در آموزش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی.

اهداف تفصیلی ۱ و ۲ برای شایستگی‌های عمومی است.

عناصر / عرصه	رابطه با خویشتن (روح، روان و جسم)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها)	رابطه با خلقت
اخلاق (تزکیه، عاطفه و ملکات نفسانی)	<p>۳- تزکیه نفس خویش برای رشد مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>- تعهد به اخلاق حرفه‌ای خود در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>۴- ارتقای پایبندی خویش به گسترش روش‌های خلاق در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>- ارتقای پایبندی خویش به نظارت بر پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>۵- ارزش‌گذاری به نقش خویش در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>- مهرورزی و خیرخواهی در انجام فعالیت‌های آموزشی برای پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک.</p>	<p>۳- سعی در گسترش سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- علاقه به تفکر دینی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>۴- پرورش عواطف معنوی در آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- علاقه به اخلاق اسلامی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>۵- احترام به ارزش‌های دینی در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- صداقت در آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی.</p>	<p>۳- تعهد به پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان؛</p> <p>- گسترش فرهنگ برقراری ارتباط عاطفی - اجتماعی با دیگران در محیط زندگی؛</p> <p>۴- مهرورزی به کودکان در اجرای آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- برخورداری از روحیه تعاون و همکاری با دیگران در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک؛</p> <p>۵- پایبندی به حفظ سلامت روان کودکان در پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- گسترش فرهنگ مسئولیت‌پذیری در کار گروهی جهت ایجاد مهارت‌های عاطفی - اجتماعی.</p>	<p>۳- پرهیز از آلوده کردن محیط زیست در فعالیت‌های پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>- احترام به محیط زیست در اجرای فعالیت‌های آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی؛</p> <p>۴- ارزش قائل شدن به روش‌های مؤثر در ایجاد ارتباط عاطفی - اجتماعی در محیط آموزش؛</p> <p>- متعهد به اجرای قوانین ارتباط عاطفی - اجتماعی در محیط زندگی؛</p> <p>۵- اهمیت به رشد عاطفی - اجتماعی برای ایجاد روابط مؤثر در محیط آموزش؛</p> <p>- تعهد به استفاده بهینه از منابع طبیعی در آموزش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک.</p>

اهداف تفصیلی ۱ و ۲ برای شایستگی‌های عمومی است.

بودجه‌بندی زمانی درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک

این درس شامل پنج پودمان است که زمان آموزش هر کدام ۶۰ ساعت است و به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می‌شود. بسته یادگیری این درس شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم آموزشی و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این پودمان‌ها با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی به شرح زیر است:

ردیف	پودمان	کل ساعت	ساعت نظری	ساعت عملی
۱	پرورش خودآگاهی کودک	۶۰	۲۴	۳۶
۲	پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران	۶۰	۲۴	۳۶
۳	توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران	۶۰	۲۴	۳۶
۴	پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه	۶۰	۲۴	۳۶
۵	پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌ها	۶۰	۲۴	۳۶

مراحل ساعات عملی و نظری هر پودمان به شرح زیر است:

پودمان ۱- پرورش خودآگاهی کودک

ردیف	مراحل	عملی	نظری	جمع کل
۱	توسعه شناخت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک	۱۲	۸	۲۰
۲	پرورش بیان توانمندی‌ها و محدودیت‌های کودک	۱۲	۸	۲۰
۳	پرورش بیان هیجانات	۱۲	۸	۲۰

پودمان ۲- پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران

ردیف	مراحل	عملی	نظری	جمع کل
۱	توسعه درک احساس دیگران (از طریق ارتباط کلامی و غیرکلامی)	۱۲	۸	۲۰
۲	پرورش ابراز همدلی با دیگران	۱۲	۸	۲۰
۳	پرورش ابراز وجود	۱۲	۸	۲۰

پودمان ۳- توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران

ردیف	مراحل	عملی	نظری	جمع کل
۱	توسعه برقراری ارتباط با بزرگسالان	۱۲	۸	۲۰
۲	توسعه برقراری ارتباط کودک با همسالان	۱۲	۸	۲۰
۳	توسعه برقراری ارتباط با کودکان با نیازهای ویژه	۱۲	۸	۲۰

پودمان ۴- پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه

ردیف	نام واحد یادگیری	عملی	نظری	جمع کل
۱	پرورش آداب اجتماعی - اخلاقی	۶	۴	۱۰
۲	پرورش آموزه‌های دینی، ملی و مناسبت‌های اجتماعی	۱۲	۸	۲۰
۳	توسعه احترام به محیط زیست	۶	۴	۱۰
۴	پرورش احترام به حقوق شهروندی	۱۲	۸	۲۰

پودمان ۵- پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌ها

ردیف	نام واحد یادگیری	عملی	نظری	جمع کل
۱	توسعه مشارکت کودک در فعالیت‌ها	۱۲	۸	۲۰
۲	توسعه مسئولیت‌پذیری کودک در فعالیت‌های اجتماعی	۱۲	۸	۲۰
۳	توسعه ایفای نقش‌های گروهی	۱۲	۸	۲۰



فصل ۳

شیوه‌های مؤثر تدریس

از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های کار با کودک این است که مربی بتواند از نهایت خلاقیت خود در ایجاد فضایی مفرح و تأثیرگذار استفاده کند. به همین دلیل نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مربیان تنها در چهارچوب برنامه‌ای از پیش تعیین شده حرکت کنند و به اتفاقات، شرایط و موقعیت موجود توجه نداشته باشند. این الگو برای مربیان آینده که هم‌اکنون هنرجویان کلاس محسوب می‌شوند، با الگویی از هنرآموزان شکل می‌گیرد و آنها می‌توانند اوج خلاقیت و ابداع در کلاس‌های خود را از آنها بیاموزند. بر این اساس، هر چند پایبندی به برخی شیوه‌های تدریس که بر مبنای اصول خاصی در آموزش این کتاب انتخاب شده‌اند، ضروری است، اما برخی مواقع جایگزینی یک روش به جای دیگری که احتمال افزایش کارآمدی آموزش را به همراه دارد، تأثیر ماندگارتری برجای می‌گذارد. به این سبب، در این بخش به تعدادی از روش‌های یاددهی - یادگیری اشاره شده است که دارای ویژگی‌های به‌روز بودن، تأثیرگذاری، فعال بودن، هنرجو محوری و در عین حال متناسب با محتوای کتاب «پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک» هستند. هنرآموز می‌تواند شیوه مناسب را در هر بخش از کتاب از میان این شیوه‌ها برگزیند. همچنین توجه داشته باشید که در برخی از بخش‌های کتاب به روشنی به بهره‌گیری از یک شیوه معین نیز اشاره شده است.

مطالب این فصل در دو بخش کلی ارائه شده است. ابتدا به تدریس مؤثر و نیز شیوه‌های یاددهی - یادگیری مورد انتظار توسط هنرآموز پرداخته‌ایم. سپس در ادامه، نکات و رهنمودهایی ضروری برای کار و فعالیت همراه با کودکان مطرح شده است. در بخش اول شیوه‌های یاددهی - یادگیری مانند یادگیری مشارکتی، روش تدریس مبتنی بر بیان فکر، روش تدریس مبتنی بر خلاقیت، روش تدریس مبتنی بر مغزمحوری، روش تدریس رویدادی، روش تدریس مبتنی بر بحث گروهی و نیز روش تدریس ایفای نقش که امکان استفاده در بخش وسیعی از کتاب را دارد، معرفی شده‌اند. بخش دوم به شیوه انجام فعالیت‌هایی مانند بازی‌های آموزشی، ساخت و ساز، نقاشی، قصه‌گویی و شعرخوانی که همراه با کودکان اجرا می‌شوند، اختصاص دارد. لازم است این موارد توسط هنرآموز به هنرجویان آموزش داده شود تا در زمان حضور در مهدکودک‌ها یا دیگر موقعیت‌های مرتبط با کودکان، مورد توجه و استفاده آنان قرار گیرد.

تدریس اثربخش

تدریس، مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور یادگیری ارائه می‌شود. با این تعریف، همه فعالیت‌ها و موقعیت‌های یادگیری قابل پیش‌بینی نیستند. به همین

منظور هر چند امکان ارائه شیوه‌ها و الگوهای یاددهی - یادگیری برای تدریس کتاب حاضر وجود دارد، اما هرگز نباید به این محدوده اکتفا کرد و لازم است هنرآموزان با توجه به شرایط و موقعیت مرتبط با یادگیری هنرجویان، تلاش کنند تا بهترین و مناسب‌ترین انتخاب را برای ارائه فعالیت‌ها برگزیده و اجرا نمایند. با این همه، انتخاب از میان الگوهای متعدد آموزشی باید در چهارچوب معینی رخ دهد. این چهارچوب، به ویژگی‌های روش‌های نوین و فعال یاددهی - یادگیری وابسته است. روش‌های نوین تدریس در پی پاسخ دادن به این پرسش هستند که هر هنرآموزی لازم است از خود سؤال کند:

«چگونه می‌توانم تدریس موفق داشته باشم؟»

تدریس موفق، به یادگیری ماندگار، عمیق و برانگیزاننده‌ای منجر می‌شود که پس از خروج از کلاس، همچنان آثار و نشانه‌های آن در ذهن و رفتار یادگیرنده باقی می‌ماند. نظریه‌پردازان در رابطه با ویژگی‌های تدریس مؤثر و موفق دیدگاه‌های بسیاری مطرح کرده‌اند، اما برخی موارد در میان آنها مشترک است.

ویژگی‌های تدریس اثربخش

تدریسی اثربخش است که با نحوه یادگیری فراگیران تناسب داشته باشد و لذت و شوق یادگیری را با خود به همراه آورد. با این نگاه، هر کلاس درسی با صرف حضور هنرجویان و هنرآموز معنا نمی‌شود و بدیهی است هر تدریسی نمی‌تواند مؤثر باشد. تدریس مؤثر دارای خصوصیتی است از جمله:

■ **تبدیل فرصت‌های آموزشی به موقعیت‌های یادگیری:** یکی از عوامل تعیین‌کننده یادگیری، بهره‌مندی و توجه به فرصت‌های متنوع آموزشی است که هر کدام می‌تواند از طریق توجه و هدایت هنرآموز به یک موقعیت یادگیری تبدیل شود. برای مثال، تجربه روز و شب، یک پدیده تکراری و مستمر است و در عین حال که دارای آثار آموزشی فراوان است، اما تنها برای آن دسته از فراگیران تأثیری از جنس یادگیری دارد که توسط مربی مورد تأکید و توجه خاص قرا گیرد. از این دست منابع و فرصت‌های آموزشی برای هر موضوع یادگیری بسیار هستند و کافی است ذهن حساس و خلاق مربی در تلاش باشد تا آنها را شناسایی کرده و مورد استفاده قرار دهد. در چنین شرایطی هنرآموز نیاز ندارد تا به‌طور مداوم به کنترل و نظارت عملکرد هنرجویان متمرکز شود، چرا که هنرجویان با قرار گرفتن در معرض فعالیت‌های متنوع و متناسب با شرایط کلاس، فعالانه درگیر یادگیری می‌شوند و می‌توانند فعالیت‌ها را دنبال کنند.

■ **تدریس، حمایت‌گر یادگیری:** بخشی از فعالیت‌های تدریس به شیوه‌های ارتباطی

و نیز همدلی میان هنرجویان اختصاص دارد، به گونه‌ای که فراگیران می‌توانند از طریق مشارکت در یادگیری و احساس همدلانه، از یادگیری منسجم‌تری برخوردار شوند. حمایت از یادگیری در کلاس‌های مؤثر از طریق نشان دادن اشتیاق به حضور در کلاس توسط هنرآموز و نیز ایجاد فضای همکاری گروهی برای هنرجویان قابل ملاحظه است.

■ **تأکید بر زمینه محوری درس:** از جمله عوامل مهم و مؤثر در تدریس موفق این است که هنرآموز تلاش کند برای یادگیری هر یک از موضوعات توسط هنرجویان، ارتباط مستقیم آن را با زندگی معمول و آشنا شناسایی کند و با اشاره به مثال‌های گوناگون، از آنها بخواهد تا فعالیت‌هایی در محیط بیرون از کلاس درس را تجربه کنند. از آنجا که محتوای این کتاب تا اندازه زیادی به محیط خانواده و ارتباط‌های درون خانواده مرتبط است، بنابراین ارائه تمرین و فعالیت‌های آموزشی در خانواده مرتبط با هر مفهوم امکان‌پذیر و مؤثر است.

■ **پیش‌سازمان‌دهنده در یادگیری:** پیش‌سازمان‌دهنده‌ها می‌توانند با ایجاد یک پیکره اولیه و ثابت، مفاهیم و آموزه‌ها را به صورت منظم و یکپارچه در اختیار هنرجویان قرار دهند. هر پیش‌سازمان‌دهنده، ماهیت کلی فعالیت معینی را مشخص می‌کند و ساختاری را به هنرجو ارائه می‌دهد که در آن، جزئیات، درک شده و به هم پیوند داده می‌شوند. چنین ساختاری به فراگیران کمک می‌کند تا بر مفاهیم اصلی تمرکز کنند. ارائه پیش‌سازمان‌دهنده به هنرجویان، این امکان را فراهم می‌آورد تا هنرآموز اطمینان حاصل کند که هنرجویان از آنچه قرار است بیاموزند، آگاه هستند و اهداف را دنبال خواهند کرد.

■ **یکپارچگی درونی:** از جمله مشخصه‌های کتاب حاضر برای تدریس آن است که فعالیت محور بوده و در آن تلاش می‌شود تا هنرجویان با انجام فعالیت‌های گوناگون، به مفهوم موردنظر و چگونگی انجام آن در مواجهه با کودک، اشراف و آگاهی پیدا کنند. در چنین شرایطی ممکن است هنرجویان توانایی لازم برای درک ارتباط بین کلیه مطالب کتاب را نداشته باشند. به همین سبب لازم است هنرآموز با یادآوری یا انجام فعالیت‌های گذشته و ایجاد ارتباط بین مفاهیم و فعالیت‌های گوناگون کتاب، ارتباط‌ها را نشان دهد. در این صورت احساس یکپارچگی و انسجام میان مطالب، یادگیری مؤثری در پی دارد.

■ **تأثیر اعجاز‌آور فعالیت‌های عملی:** در همه مباحث آموزشی، فعالیت‌های عملی جزء جدایی‌ناپذیر و در عین حال غیرقابل انکار در اثربخشی یادگیری هستند. این موضوع در کتاب حاضر از اهمیت بیشتر و بالاتری برخوردار است. زیرا در نهایت، مربیان جز از طریق فعالیت‌های عملی با کودکان این دوره سنی روبه‌رو نمی‌شوند و به این ترتیب، با کودکان در تعامل خواهند بود. از طرف دیگر، ممکن است سادگی ظاهری بعضی از فعالیت‌ها موجب شود که هنرآموز یا هنرجو

انجام آن را ضروری نداند. این در حالی است که تجربه انجام فعالیت‌های عملی در یادگیری می‌تواند موجب شود تا ضمن دریافت عمیق و ماندگارتر هدف اصلی، در آینده نیز هنرجویان تجربه‌هایی از این دست را برای کودکان به کار گیرند.

■ **تفکر در فعالیت‌ها:** اکثر فعالیت‌ها و تمرین‌ها زمانی تأثیر کاملی از خود بر جای می‌گذارند که با «تفکر» همراه شوند. اگر دستورالعمل و نحوه اجرای آن با جزئیات غیرضروری توسط هنرآموز بیان و از فکر کردن و نظر دادن هنرجو جلوگیری شود، در این صورت، احتمال آن وجود دارد که او در شرایط و موقعیت‌های دیگر نیز توانایی شناسایی و بهره‌مندی بیشتر از موقعیت‌ها را به دست نیاورد و فعالیت موردنظر را با آگاهی و حضور ذهنی مناسب انجام ندهد. بر همین اساس، دریافت نظرات هنرجویان نیز در هر فعالیت می‌تواند به مشارکت فکری آنان منجر شود.

■ **ارزشیابی به معنای یافتن ارزش یادگیری:** از دیگر مؤلفه‌های کلاس و تدریس مؤثر و موفق این است که ارزیابی نه تنها به منزله تعیین نمره، بلکه به معنای تعیین ارزش و جایگاه یادگیری، مورد استفاده هنرآموز قرار می‌گیرد. بر این اساس، استفاده از خودارزیابی و نیز بهره‌مندی از دیگر شیوه‌های متنوع ارزشیابی، می‌تواند رهنمون تأکید و توجه بر یادگیری باشد.

■ **تکیه بر پژوهش:** از دیگر نشانه‌های اثربخشی یک تدریس آن است که هنرآموز در ارائه فعالیت‌ها و در گفت‌وگوی خود با هنرجویان به نتایج ناشی از پژوهش‌ها اشاره می‌کند و در تلاش است تا هنرجویان نیز نمونه فعالیت‌های پژوهشی را تجربه کنند. ضرورت انجام پژوهش توسط هنرجویان ممکن است براساس یک پرسش از سوی هنرآموز یا روی دادن یک اتفاق پیش‌بینی نشده ایجاد و احساس شود. استقبال هنرآموز از چنین رویدادهایی و اتصال آن به انجام بررسی‌های بیشتر، به ماندگاری و لذت بیشتر از یادگیری برای هنرجویان منجر می‌شود.

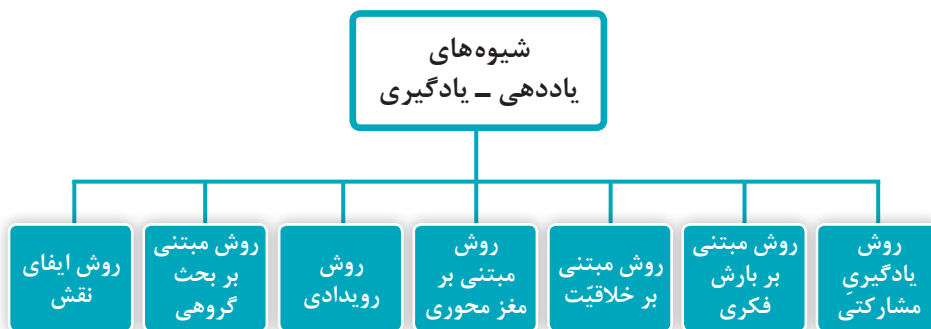
■ **آموزش راهبردها:** هنگامی که هنرجویان می‌توانند راهبردهای یاددهی - یادگیری را از هنرآموز خود فراگیرند و خود را در مقام یک مربی قرار دهند، در این صورت این احتمال افزایش می‌یابد که آنان به سهولت آماده نقش‌آفرینی به‌عنوان مربی شوند. در عین حال، خود را در مسیر یادگیری دروس همراه ببینند و احساس تعلق بیشتری به کلاس و تدریس داشته باشند. برای این منظور، هنرآموز پیش از ارائه هر یک از فعالیت‌ها یا آغاز هر بخش از تدریس، از هنرجویان می‌خواهد تا برای آموزش محتوای موردنظر پیشنهاد دهند، خود را به‌عنوان یک آموزش‌دهنده تصور کنند و در جریان کلاس، ایده‌های خود را مطرح کرده و تلاش کنند تا جنبه‌های جذاب و مؤثری را برای یادگیری دروس در نظر بگیرند.

■ **هم‌آموزی:** در کلاس درس مؤثر، هنرجویان این امکان را دارند که بیش از آموزش یک‌سویه و نیز در خلال انجام فعالیت‌ها از یکدیگر بیاموزند و کارهای تیمی و گروهی را تجربه کنند. هم‌آموزی‌ها، زمینه مناسبی برای تجربه یادگیری‌های

مؤثر و ماندگار هستند چرا که توأمان، حس یادگیری را با «لذت بودن در کنارهم سالان» و نیز «تبادل تجربه و احساس با آنان» به همراه دارد و موجب پرورش همه‌جانبه یادگیرنده می‌شود.

شیوه‌های یاددهی - یادگیری

در کنار ویژگی‌هایی که برای کلاس و آموزش مؤثر بیان شد، شیوه‌های یاددهی - یادگیری نیز قابل اشاره هستند چرا که از طریق آنها امکان توسعه مهارت‌های فردی هنرجویان و افزایش یادگیری‌های ضروری آنان فراهم می‌شود. در ادامه، شیوه‌های کلی مرتبط با کتاب «پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک» آمده است. لازم به یادآوری است که هنرآموز می‌تواند متناسب با موقعیت و شرایط کلاس درس از هر یک از شیوه‌ها در آموزش کتاب بهره‌گیری کند. در عین حال، توجه داشته باشد که در برخی بخش‌ها به روشی به شیوه خاصی از تدریس اشاره شده است. برای مثال، در کارهای گروهی، مقصود بهره‌گیری از شیوه «یادگیری مشارکتی» است. در معرفی هر روش، بخش‌های مرتبط بهره‌گیری از آن شیوه نیز با توجه به محتوای کتاب آمده است.



نمودار ۱- شیوه‌های یاددهی - یادگیری

الف) روش یادگیری مشارکتی

نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که یادگیری از طریق همیاری و همکاری با دیگران، موجب معنادار شدن، عمق و ماندگاری بیشتری می‌شود. همیاری، نوعی هم‌اندیشی و تلاش عملی به صورت جمعی است که در کمک هنرجویان به یکدیگر و با سطح توانایی و عملکرد متفاوت نمود پیدا می‌کند. در کتاب حاضر، تمام فعالیت‌هایی که لازم است به صورت گروهی اجرا و دنبال شوند، می‌توانند مطابق با این شیوه به اجرا درآیند. مطابق با جداول ۱ تا ۵ که به

دسته‌بندی فعالیت‌ها در کتاب مربوط است، هر فعالیت با یک یا چند قالب موجود در نمودار ۲ ارتباط دارد.



نمودار ۲- قالب‌های انجام فعالیت‌های گروهی

در یادگیری‌های مشارکتی، هنرجویان به گروه‌های ۳ تا ۷ نفر تقسیم می‌شوند. لازم است هر بار شکل‌گیری گروه مطابق با قواعد همیاری و بنابر ضرورت و متناسب با موضوع موردنظر باشد. برای مثال، در فعالیتی که هنرجویان عقیده خود را بیان می‌کنند، باید متذکر شد که نقد نظرات دیگران در این مرحله ممنوع است. پس از واگذاری فعالیت گروهی به افراد، زمان انجام کار معین می‌شود. در طول فعالیت، هنرآموز تلاش می‌کند تا در همه گروه‌ها حضور پیدا کند و تا حد امکان در جریان روند فعالیت و نوع همیاری افراد قرار گیرد و به هر کدام بازخورد مناسب ارائه دهد. از جمله نکات مهم در این شیوه، پرهیز از سرزنش و نیز پیش‌دوری توسط هنرآموز و دیگر گروه‌ها نسبت به روند انجام کار است. علاوه بر این، موارد زیر در ارائه صحیح فعالیت‌های مشارکتی قابل توجه و مؤثر است:

■ وجود فضای عاطفی بین گروه‌های یادگیری، اشتراک در هدف، سهیم بودن در ابزار، وسایل و بحث میان گروهی از جمله مهم‌ترین عناصر زمینه‌ساز یادگیری همیارانه است. در این شیوه، هنرجویان در تعامل با مواد آموزشی نیز به همیاری و

همکاری با یکدیگر و تشریح مساعی دعوت می‌شوند و هر کدام خود را منبع یاری، بازخورد، تقویت و حمایت به حساب می‌آورند.

■ هر چند در یادگیری همیارانه همانند دیگر روش‌های یاددهی - یادگیری لازم است ارزشیابی از یادگیری‌های هنرجویان توسط هنرآموز رخ دهد، اما تلاش برای برگزاری خودارزیابی‌های گروهی و نیز همتارزیابی‌ها (ارزیابی‌ها توسط هنرجویان) در بهبود و تقویت روابط گروهی در فعالیت‌های آتی تأثیر به‌سزایی دارد. در خودارزیابی‌های گروهی هنرجویان در مورد نوع عملکرد خود و نتایج به‌دست آمده نظر می‌دهند. این نظرات زمانی اثرگذار است که آنها بتوانند با در اختیار داشتن ملاک‌ها و معیارهای معینی، جزئیات عملکرد خود را بسنجند. همچنین در همتارزیابی، داشتن ملاک و معیار برای نظردهی به دیگر گروه‌ها اساسی و ضروری است. معمولاً شیوه‌ارزیابی همتایان از یکدیگر زمانی مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد که نتایج عملکرد یک گروه در معرض نمایش و بازدید دیگر گروه‌ها قرار دارد.

■ برای تأثیرگذاری این شیوه لازم است هنرآموز اهداف و جزئیات همکاری هنرجویان را تعیین و پیش از آغاز، آنها را مطالعه کند. هر چند چینه‌ساز هنرجویان در گروه‌های بزرگ‌تر و با تعداد بیشتر مزایایی دارد که از آن جمله بالا رفتن کمیت و کیفیت نظرات است، اما این امر از سوی دیگر می‌تواند موجب سخت‌تر شدن امر نظارت و هماهنگی بین آنها شود. بنابراین، تعداد اعضای هر گروه با توجه به نوع هدف و نوع همکاری مورد انتظار از هنرجویان، قابل تعیین و تغییر است. با این نگاه، لازم است گاهی مواقع، انتخاب گروه برعهده‌ساز هنرجویان گذاشته شود و در برخی موارد نیز اعضای گروه توسط هنرآموز تعیین شوند.

■ چینه‌ساز کلاس از دیگر مقوله‌هایی است که به نوع فعالیت مورد انتظار گروه‌ها وابسته است. برای مثال، زمانی که لازم است هنرجویان با یکدیگر بحث و گفت‌وگو داشته باشند، نشستن آنها در مقابل یکدیگر ضروری است. گاهی نیز هنرجویان نیازمند فضای بیشتری برای ساخت دست‌سازه یا انجام فعالیت عملی هستند که چینه‌ساز کارگاه یا کلاس متناسب با هر موضوع تعیین می‌شود.

■ لازم به یادآوری است که اگر برای تمامی اعضای گروه وظایف روشنی طراحی شود، میزان همبستگی و همکاری گروهی افزایش می‌یابد. این موضوع از ضرورت‌های تأثیرگذار در یادگیری مشارکتی است، زیرا عدم همکاری یک یا دونفر از هر گروه می‌تواند اساس همیاری را زیر سؤال ببرد.

ب) روش مبتنی بر بارش فکری

این روش که بر اندیشیدن و بیان مسیر تفکر هر هنرجو متمرکز است، ترس از تفکر و بیان آن را کاهش می‌دهد. به یادگیرنده هم فرصت می‌دهد تا بتواند راه‌حل‌های

گوناگون را بیازماید و شیوه‌های گوناگون برای حل مسئله را از سر بگذرانند. در چنین شرایطی پرسش‌های زیر کمک می‌کنند تا زمینه تفکر برای هنرجویان مهیا شود:

- ۱ مسئله چیست؟ آیا می‌توان آن را به مسئله‌های کوچک‌تر تقسیم کرد؟
- ۲ این مسئله به کدام‌یک از مسئله‌های دیگر در زندگی شباهت دارد؟
- ۳ این مسئله چه تفاوتی با مسئله‌های دیگری که آن را تجربه کرده‌ام، دارد؟ آیا نیاز است این مسئله را از نو تعریف کنم؟

این پرسش‌ها زمانی در اختیار هنرجویان قرار می‌گیرد که آنها از طریق فعالیتی اولیه، با موضوع یا مسئله آشنا شده‌اند. در این شیوه، هنرآموز به جای سخنرانی کردن، موضوع درس را به یک پرسش یا مسئله تبدیل می‌کند و از هنرجویان می‌خواهد تا با طرح پرسش‌های یاد شده، مسئله را به درستی درک و بیان کنند. در مرحله بعد، فراگیران تشویق می‌شوند تا راه‌حل یا پاسخ خود را به مسئله بیان کرده و فعالانه در بحث شرکت داشته باشند. پیشنهاد می‌شود دیدگاه‌ها و راه‌حل‌ها مورد نقد و بررسی قرار نگیرند تا امکان آزادانه‌تری در این مرحله برای هنرجویان فراهم شود.

در ادامه، هر راه‌حل یا پاسخ مطرح شده مورد تحلیل قرار می‌گیرد و هر یک می‌توانند بازخورد شیوه پیشنهادی خود را دریافت کنند. در شرایط ایده‌آل، توصیه می‌شود هر فرد یا گروه در مورد شیوه طراحی خود نیز نظر بدهد و به شیوه فراشناختی، مسیر تفکر و نوع راه‌حل خود را نقد کند.

این مرحله به نوعی با ارزشیابی از عملکرد در ارتباط است که از طریق آن، هنرجویان می‌توانند به مسیر طی شده نگاه کرده و نظرات و اصلاحات خود را بیان کنند. شیوه مبتنی بر بارش فکری در آموزش بسیاری از مطالب کتاب قابلیت استفاده و تأثیرگذاری دارد. از آن جمله می‌توان به قسمت فعالیت‌های ذهن‌انگیز اشاره کرد. تمامی بخش‌های کتاب با یک فعالیت ذهن‌انگیز آغاز شده‌اند که مهم‌ترین ویژگی آنها تکیه بر تفکر است. بنابراین، مناسب‌ترین شیوه اجرای این بخش، بهره‌گیری از شیوه تدریس «مبتنی بر تفکر» است.

علاوه بر این، در بین سایر فعالیت‌های کتاب، موارد ذکر شده در نمودار ۳، شرایط اجرا توسط این شیوه را دارا هستند که در جداول ۱ تا ۵ مربوط به هر واحد نیز آمده است:



نمودار ۳- قالب‌های مرتبط با روش تدریس مبتنی بر بارش فکری

پ) روش مبتنی بر خلاقیت

تکیه بر خلاقیت و تبلور ذهنی مربی از ضروریات تأثیرگذاری در رویارویی با کودکان است. این روش تدریس می‌تواند به عنوان محرک برای هنرجویان و مفید و مؤثر در آینده حرفه‌ای آنان باشد.

یکی از شرایط این روش، تدریس بهره‌گیری از اندیشه فردی و دوری جستن از تکرار و تقلید است. در صورتی که هر فعالیت منجر به حل یک مسئله یا تحقق یک هدف ارزشمند شود، در این صورت می‌توانیم ادعا کنیم که شرط اصیل بودن کار را متناسب با ویژگی خلاقیت لحاظ کرده‌ایم.

فضای عاطفی، شرایط فیزیکی، جو یادگیری، میزان انگیزه برای آموختن و مواردی از این دست، از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر بروز خلاقیت تأثیرگذار باشند. بنابراین، زمانی که رابطه میان هنرآموز با هنرجویان از صمیمیت و قوانین داخل کلاس از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است، می‌توانیم میزان بیشتر شکوفایی و بهره‌مندی از خلاقیت را در کلاس شاهد باشیم.

برای استفاده از این روش، در مرحله اول، وظیفه یا مسئله در اختیار هنرجویان قرار داده می‌شود و از آنان خواسته می‌شود تا با کمک جمع‌آوری اطلاعات واقعیت‌های مربوط به مسئله و از طریق مطالعه، بحث و گفت‌وگو یا دیگر زمینه‌های لازم، اقدام به روشن‌سازی مسئله کنند.

در ادامه هر هنرجو راه یا راه‌های خود را در کنار برداشتی که از مسئله مورد نظر دارد، ارائه می‌دهد. شیوه ارائه در این مرحله نیز به خلاقیت هنرجویان وابسته است و آنها می‌توانند به شیوه شخصی و انتخابی اقدام کنند. اما در مرحله نهایی، از اقدامات هنرجویان ارزشیابی صورت می‌گیرد. مناسب‌ترین شیوه برای ارزشیابی

در روش مبتنی بر خلاقیت، زمانی است که هنرجویان بتوانند با کمک ملاک‌هایی همچون مؤثر بودن، جذاب بودن، کم‌خرج بودن و دیگر ملاک‌ها، به ارزشیابی کار خود و دیگر هم‌کلاسی‌ها اقدام کنند.

برای افزایش خلاقیت هنرجویان، هنرآموز می‌تواند مسئله را با پیچیدگی بیشتری بیان کند و در عین حال، خودش همراه با آنها فکر کند و محصول و نتیجه‌ای را برای ارائه به کلاس آماده سازد. همچنین بهتر است از هنرجویان بخواهد تا به دنبال ایده‌هایی باشند که تاکنون مطرح نشده است و برای این منظور، منابع اطلاعاتی لازم را به آنها معرفی کند. در میان دسته‌بندی فعالیت‌های کتاب، موارد زیر قابلیت و ارتباط محتوایی براساس این روش را دارند:



نمودار ۴- قالب‌های مرتبط با روش تدریس مبتنی بر خلاقیت

ت) روش مبتنی بر مغز محوری

روش تدریس مبتنی بر مغز از جمله شیوه‌های نوین است که در مجموع نمی‌توان ادعا کرد از دیگر روش‌های تدریس بهتر یا جامع‌تر است، اما در نوع خود دارای ویژگی‌های خاصی است که می‌تواند نگاه کامل‌تری از تدریس به دست هنرآموز دهد. این شیوه شامل ۳ مرحله است:

مرحله اول: پیش از تدریس؛

مرحله دوم: حین تدریس؛

مرحله سوم: پس از تدریس.

مرحله اول) پیش از تدریس: این مرحله نوعی برنامه‌ریزی محسوب می‌شود و لازم است هنرآموز خود را برای آغاز کلاس آماده کند. او پیشاپیش درس را بررسی می‌کند و درباره نحوه ارائه آن تصمیم می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین نکات

در این مرحله آن است که هنرآموز بتواند انگیزه و عاطفه مثبتی نسبت به درس در وجود خود ایجاد کند و تصمیم بگیرد که چگونه این عاطفه مثبت را با تسلط بر درس به هنرجویان نشان دهد. همچنین تصمیمات خود دربارهٔ درس را به هنرجویان می‌گوید تا ذهن آنها با محتوای مورد نظر برای یادگیری درگیر شود.

مرحلهٔ دوم) حین تدریس: این بخش دارای پنج مرحله است که مطابق آن، هنرجویان یادگیری را آغاز می‌کنند.

۱ درگیر کردن: منظور از درگیر کردن، ایجاد انگیزه در هنرجویان است به گونه‌ای که با محتوای درس جدید ارتباط بگیرند و تمایل داشته باشند یادگیری را دنبال کنند. در این روش، زمینه‌سازی عاطفی نیز دارای اهمیت بالایی است، یعنی لازم است دقایقی برای پدید آمدن نگاه مثبت در یادگیرندگان اختصاص داده شود.

۲ چهارچوب‌بندی: این مرحله شامل کاربرد یک واژه، فعالیت یا رخدادی است که موجب ایجاد حرکت و تمایل بیشتر هنرجو به یادگیری می‌شود و او راه را ادامه می‌دهد. از جمله پیشنهادات در این مرحله، پرسشگری هنرجویان، خودابرازی، کنجکاوی و نقد است که می‌تواند زمینهٔ مناسبی برای ایجاد شبکهٔ ذهنی فراهم آورد.

۳ کسب: در این مرحله برای آنکه اطلاعات بیشتر ارائه شود، هنرآموز از فعالیت‌های متنوعی مانند دعوت از سخنران، گردش و بازدید علمی، نمایش فیلم و دیگر موقعیت‌های آموزشی، استفاده می‌کند.

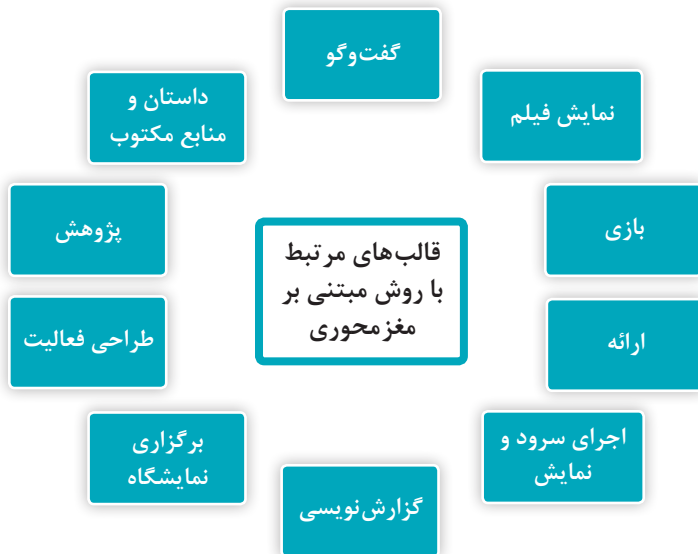
۴ شرح و بسط: این مرحله فعالیت‌هایی را دربردارد که موجب عمیق‌تر کردن یادگیری از طریق تلفیق و تصحیح خطاها می‌شود. این مرحله به نوعی به افزایش اعتمادبه‌نفس هنرجو در مسیر یادگیری نیز می‌انجامد. درخواست هنرآموز برای آنکه هنرجویان موقعیت‌های دیگری مشابه موقعیت یادگیری در طول درس را تجربه کنند، مثال‌های بیشتری بزنند یا از نمونه‌های ارائه شده برای تکمیل یادگیری خود بهره‌گیرند، همه، مواردی مرتبط با این بخش هستند.

۵ برقراری ارتباط: این مرحله به فعالیت‌هایی اختصاص دارد که پس از یادگیری کلاسی، هنرجویان می‌توانند با یادآوری آنچه تجربه کرده‌اند، توضیح مطالب به یکدیگر، طراحی نقشهٔ مفهومی از درس، تدوین شیوهٔ جدید یا ارائهٔ نمایش و ... آموخته‌های خود را در ذهنشان با دیگر دریافته‌های قبلی پیوند بزنند.

مرحلهٔ سوم) پس از تدریس: هر چند در تمامی مراحل یاد شده، به نوعی تثبیت رخ می‌دهد اما این بخش به‌طور مشخص به تثبیت اختصاص دارد تا برای کسب پایداری بیشتر یادگیری پس از گذشت مدت زمان معینی و به‌صورت فاصله‌دار، با ارائهٔ فعالیت‌هایی به تثبیت آموخته‌ها کمک کند. تلفیق موضوعات، طبقه‌بندی اطلاعات، نام‌گذاری مجدد، نقد آموخته‌ها و راهبردهای دیگری مانند این‌ها به تثبیت یادگیری کمک می‌کنند.

در نگاه کلی، محتوای کتاب تا اندازهٔ زیادی براساس روش مغزمحوری طراحی و با

این شیوه قابلیت اجرا و ارائه دارند. هر بخش، فعالیت‌هایی را در اختیار هنرآموز قرار می‌دهد که مانند فعالیت‌های ذهن‌انگیزی، مرحله درگیر کردن و چهارچوب‌بندی را به اجرا در می‌آورد. مراحل دیگر از جمله کسب، شرح و بسط و برقراری ارتباط به صورت فعالیت‌هایی طراحی شده است که هنرجو را به درون محتوای مورد نظر راهنمایی می‌کند. به این ترتیب، پایبندی به مراحل اجرای تدریس، تأکید و توجه هنرآموز به انجام کامل و درست فعالیت‌ها توسط هنرجویان، به اجرای کامل روش مبتنی بر مغزمحوری منجر می‌شود. با این اوصاف، تقریباً اجرای همه فعالیت‌ها به ویژه فعالیت‌های ذکر شده در نمودار ۵، با بهره‌گیری از شیوه مغزمحوری، ارتباط مستقیم داشته و بخش مهمی از آنها را شامل می‌شود.



نمودار ۵- قالب‌های مرتبط با روش تدریس مبتنی بر مغزمحوری

ث) روش رویدادی

این روش بر پیوستار و ارتباط بین رویدادهای آموزشی استوار است. نظریه‌های پشتوانه این روش ابراز می‌دارند که فرایندهای دخیل در یادگیری به شکل درونی با یکدیگر ارتباط دارند و هر رویدادی بر دیگری اثر می‌گذارد تا در نهایت، یادگیری را شامل شود. به همین سبب، شناسایی و چینش مناسب رویدادهای آموزشی توسط هنرآموز از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان، شرط اساسی آن است که رویدادها به گونه‌ای ترتیب داده شوند که بیشترین اثرگذاری را در پشتیبانی از فرایندهای یادگیری داشته باشند.

رویدادهای آموزشی شامل مراحل زیر است:

۱ جلب توجه: هنگامی که هنرآموز براساس علاقمندی‌های هنرجویان فعالیت‌های اولیه‌ای را طراحی می‌کند، در این صورت مرحله جلب توجه شکل می‌گیرد. این فعالیت‌ها می‌توانند به صورت غیرکلامی و شیوه‌های تأثیرگذار عملی مانند نمایش، پخش فیلم و مواردی از این قبیل باشند.

۲ بیان هدف به، یادگیرنده: هر اقدامی بتواند به هنرجویان نشان دهد که در حال حاضر به دنبال یادگیری چه اهدافی هستیم، به فراخوانی آموخته‌های پیشین آنان می‌انجامد و کمک می‌کند تا بتوانند ارتباط میان یادگیری گذشته را با هدف از درس جدید بیابند.

۳ ارائه مواد آموزشی محرک: هدف از ارائه مواد آموزشی محرک این است که عملکرد یادگیرنده به سوی تغییر و یادگیری حرکت کند. این مواد می‌توانند شامل تصاویر رنگی متنوع، نوشته‌ها و حروف پررنگ، وسایل آموزشی و ... باشند.

۴ فراهم آوردن راهنمایی‌های لازم برای یادگیری: در این فعالیت نیاز است هنرجویان در معرض اقدامی قرار بگیرند که قرار است با انجام دادن آن به مفهوم موردنظر دست یابند و هنرآموز قصد ندارد با توضیح و تشریح، مفهوم را به صورت مستقیم ارائه کند.

۵ فراخوانی عملکرد: اگر پنج مرحله گذشته به خوبی اجرا شده باشند، انتظار می‌رود که هنرجویان بتوانند آنچه را فراگرفته‌اند، نشان دهند. در این مرحله، هنرآموز از هنرجویان می‌خواهد تا آنچه را یادگرفته‌اند، نشان دهند، بیان کنند یا در قالب‌های گوناگون دیگر ارائه دهند.

۶ تدارک بازخورد درباره درستی عملکرد: در این مرحله، هنرآموز با مشاهده عملکرد هنرجویان تلاش می‌کند تا شیوه‌هایی را برای ارائه بازخورد در نظر بگیرد. ممکن است این بازخوردها از سوی همسالان و هم‌کلاسی‌ها مطرح شود و ارائه بخش دیگر نیز بر عهده هنرآموز باشد.

۷ بهبود یادداری و انتقال: برای اینکه یادگیری هنرجویان از تعمیق و ماندگاری بیشتری برخوردار باشد، هنرآموز از آنها می‌خواهد با انجام فعالیت‌هایی مانند تمرین و تکرار، انجام دادن فعالیت‌های عملی و نیز به کارگیری شیوه‌هایی برای آموزش دادن مطالب آموخته‌شده به دیگران بهره بگیرند. در چنین شرایطی، هنرجویان به تثبیت آموخته‌های خود اقدام می‌کنند و بهترین و مؤثرترین حالت این است که به طرق گوناگون از آنها خواسته شود تا مطالب آموخته شده را به دیگران آموزش دهند یا بدآموزی‌های یکدیگر را رفع و اصلاح کنند.

چنانچه در جدول‌های ۱ تا ۵ مربوط به تقسیم‌بندی فعالیت‌ها مشاهده می‌کنید، مجموع فعالیت‌های کتاب براساس نوع موقعیت و شرایط اجرا به ۳ دسته تقسیم شده‌اند: کار در کلاس، کار با کودکان و کار در خانه. این تقسیم‌بندی به نوعی

نمایانگر ارتباط هنرجو با افرادی است که در آن فعالیت مورد انتظار است. بر این اساس، فعالیت‌های کار با کودکان از نوعی هستند که مبتنی بر روش تدریس رویدادی طراحی شده‌اند و لازم است هنرآموز توجه داشته باشد که در طول حضور هنرجویان در ارتباط با کودکان، مراحل گوناگون این شیوه را از ذهن گذرانده و به تناسب شرایط بر برخی مراحل تأکید داشته باشد. برای مثال، پیش از حضور یافتن در مهدکودک لازم است محتوای آموزشی موردنظر توسط هنرآموز طی مراحل «جلب توجه» و نیز «بیان هدف به یادگیرنده» ارائه شود. بدیهی است در این مراحل توجه هنرآموز به «ارائه مواد آموزشی محرک» که شرح آن در روش یادشده آمده است، می‌تواند به یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتری در هنرجو منجر شود.

اما زمان حضور هنرجو در کنار کودکان، در نوبت مراحل «فراهم آوردن راهنمایی‌های لازم برای یادگیری» و «فراخوانی عملکرد» است. در این مراحل نظارت بر عملکرد هنرجو می‌تواند تعیین‌کننده میزان یادگیری‌های گذشته‌اش باشد و در عین حال آموخته‌های دیگری را برای او به همراه دارد. این آموختن در مرحله‌های «تدارک بازخورد درباره‌ی درستی عملکرد» و «بهبود یادداری و انتقال» ادامه پیدا می‌کند. البته نباید فراموش کرد از آنجا که کار با کودکان از حساسیت بالایی برخوردار است، به همین دلیل لازم است هنرآموز با ظرافت و تدبیر مورد نیاز، پیش از حضور هنرجویان تشخیص دهد که آیا زمان مناسب انجام فعالیت با کودکان برای هنرجو رسیده است یا به آموزش بیشتری پیش از آن نیازمند است.

همچنین نباید فراموش کرد که کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک شامل محتوای حافظه‌مدار نیست و تمامی آموخته‌های آن باید توسط هنرجو درک شده و به مرحله عمل برسد. به همین دلیل، نگاه بر روش تدریس رویدادی در اینجا با دیگر متون حافظه‌مدار که ماهیتی متفاوت دارند، انحصاری است.

ج) روش مبتنی بر بحث گروهی

این روش تدریس، با فعالیت هنرجو ارتباط مستقیم دارد و لازم است هنرجویان تلاش بیشتری برای یادگیری و دریافت آموزه‌های جدید داشته باشند. نقش اصلی هنرآموز در این روش تدریس شناسایی موارد قابل بحث، تعیین مناسب‌ترین نقطه آغاز، نظارت بر روند بحث و ارائه نمونه سؤال یا دیدگاه‌ها به منظور هدایت گفت‌وگوی گروهی است.

از جمله ضرورت‌های ارائه بحث گروهی فعال و مؤثر این است که هنرجویان بتوانند به صورت نیم‌دایره در مقابل یکدیگر بنشینند و امکان ایجاد ارتباط چهره‌به‌چهره برای آنها فراهم باشد.

اجرای روش تدریس مبتنی بر بحث گروهی شامل مراحل زیر است:

۱ انتخاب موضوع بحث: در این مرحله، هنرآموز موضوع مناسب برای بحث را

انتخاب می‌کند. این موضوع باید به گونه‌ای باشد که امکان گفت‌وگو و بحث در آن مورد وجود داشته باشد. برای مثال، در مورد واقعیت‌ها نمی‌شود مانند یک ارتباط جبری بین اعداد بحث کرد. ویژگی دیگر موضوع قابل بحث این است که در اثر گفت‌وگو امکان رشد درک و فهم هنرجویان فراهم باشد. در کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک مواردی برای بحث و گفت‌وگو در فعالیت‌های گوناگون طراحی و تعیین شده‌اند و هنرآموز نیازمند شناسایی موضوعات دیگر نیست، مگر آنکه به تناسب شرایط و به‌ویژه در بازگشت از فعالیت‌های کار با کودکان، لازم به انجام بحث در موضوعات جدید باشد.

۲ شناسایی و تعیین فعالیتی به منظور تقویت بحث: هنرآموز منابع یا مواد آموزشی را شناسایی و به هنرجویان معرفی می‌کند تا بتوانند اطلاعات و یافته‌های بیشتری به دست آورند. در این صورت، بحث و گفت‌وگوی موردنظر تقویت می‌شود و می‌توان انتظار داشت که در اثر بحث، فهم و درک هنرجویان از موضوع نیز افزایش یابد.

۳ بیان هدف بحث: پیش از آغاز بحث لازم است هنرجویان در مورد هدف بحث و گفت‌وگو اطلاع حاصل کنند. این کار موجب می‌شود تا در جریان بحث هنرجویان از هدف اصلی دور نشوند و به‌طور مداوم بحث را حول موضوع نگاه دارند.

۴ چینش کلاس: چنانچه اشاره شد از جمله ضرورت‌های فیزیکی اجرای این روش آن است که هنرجویان بتوانند در گفت‌وگو حداکثر ارتباط چشمی را با دیگران تجربه کنند و هنگام شنیدن صدای فرد مقابل، او را ببینند.

۵ هدایت و کنترل جریان بحث: یادداشت‌برداری از گفته‌های هنرجویان در طول جریان بحث و گفت‌وگو، هم‌زمان با اینکه هنرآموز زمان بحث را بین آنها کنترل می‌کند، به این مرحله از اجرای روش ارتباط دارد. گاهی نیز ممکن است نیاز باشد هنرآموز با طرح سؤالاتی به ادامه بحث هنرجویان جهت دهد. در نهایت، بیان نکات ضروری و اشاره به موارد اصلی مطرح شده در طول بحث اهمیت دارد. بین فعالیت‌های تعیین شده در هر بخش، مواردی که در آنها به گفت‌وگو اشاره شده است، شامل این شیوه از تدریس است. این موارد در نمودار ۶ آمده است.



نمودار ۶- قالب‌های مرتبط با روش تدریس مبتنی بر بحث گروهی

چ) روش ایفای نقش

روش تدریس ایفای نقش پلی میان حرف و عمل است. این ترکیب می‌تواند به ساده‌سازی یادگیری و ماندگاری بیشتر آن در ذهن کمک کند. در این روش، موضوعاتی که نیازمند تجسم عینی است، برای آن مناسب‌تر هستند و موجب درافتادن با مسائل گوناگون به صورت عملی می‌شود. برای این منظور، عده‌ای از هنرجویان عهده‌دار ایفای نقش می‌شوند و سایرین به تماشای آن می‌نشینند. این روش تدریس شامل مراحل زیر است:

۱) انتخاب بازیگران: پس از انتخاب موضوع و نیز تعیین نمایش مورد انتظار، هنرجویان علاقه‌مند و در عین حال حائز شرایط، برای ایفای نقش انتخاب می‌شوند. شرایط لازم برای این انتخاب شامل آمادگی آنها برای به تصویر کشیدن و نمایش عملی است که دیگران بتوانند فضای نمایش را احساس و تجربه کنند.

۲) آماده‌سازی: هنرجویانی که برای ارائه نقش‌های مورد نظر در نمایش انتخاب شده‌اند، به فرصتی نیاز دارند تا بتوانند مطالب خود را حفظ کنند و با سایر بازیگران در تعامل و هماهنگی قرار بگیرند. همچنین آماده‌سازی فضا و تجهیزات مورد نیاز نیز در این مرحله صورت می‌گیرد.

۳) آماده‌سازی گروه تماشاگر: از مهم‌ترین مراحل این روش آن است که هنرجویان از اهداف درس مطلع باشند و بدانند که این نمایش بیشتر جنبه یادگیری دارد و صرفاً برای پرکردن اوقات فراغت طراحی نشده است. همچنین لازم است در این مرحله معیارهایی از قبل طراحی شده و در اختیار هنرجویان قرار داده شود تا در طول نمایش بتوانند ذهن خود را بر اهداف و انتظارات متمرکز کنند. برای ارزیابی نمایش نیز تعیین ملاک‌هایی با همراهی هنرجویان تأثیرگذار است.

۴) اجرای نمایش: این مرحله به اجرای نمایش در فضایی که از قبل تعیین و طراحی شده است اختصاص دارد. هدایت هنرجویان برای آغاز مؤثر و قابل توجه، از جمله نقش‌آفرینی‌های هنرآموز است.

۵) طرح سؤالات: این سؤالات شامل مواردی مرتبط با اهداف نمایش است که هم هنرجویان شرکت‌کننده در اجرای نمایش و هم تماشاگران می‌توانند به آنها پاسخ دهند و به نوعی تکمیل‌کننده و تثبیت‌کننده یادگیری آنان است.

۶) توضیح و تعیین تکلیف: در صورتی که موضوع نمایش نیازمند بسط بیشتر و ارائه مثال‌های دیگر است، این کار با مشارکت و همراهی هنرجویان رخ می‌دهد. تعیین تکالیف نیز به فراخور اهداف درس می‌تواند شامل گستره‌ای از فعالیت‌های گوناگون باشد که به درک بیشتر درس می‌انجامد.

در بین فعالیت‌های موردنظر در این کتاب، به صورت ویژه به طراحی و اجرای نمایش اشاره شده است. این فعالیت کاملاً با شیوه تدریس ایفای نقش ارتباط دارد ولی انتخاب هر مرحله از این شیوه بنا به شرایط و نیاز، توسط هنرآموز تعیین

می‌شود. برای مثال، در بسیاری از فعالیت‌های مربوط به اجرای نمایش سؤالاتی نیز طراحی شده است که هنرآموز می‌تواند همان سؤالات را پس از نمایش با هنرجویان در میان بگذارد یا در انتخاب تکلیف و تمرین بیشتر وابسته به شرایط و اهداف موردنظر، انجام فعالیت‌های دیگر کتاب مانند «فعالیت در خانه» را دنبال کند.

روش‌های کار با کودک

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های طراحی شده در کتاب به کار با کودکان مربوط می‌شود که در آن، هنرجویان در ارتباط مستقیم با کودکان قرار می‌گیرند. با توجه به حساسیت و اهمیت این ارتباط که ضرورت پیشگیری از وقوع خطاها را روشن می‌سازد، لازم است هنرآموز پیش‌بینی‌های لازم را در نظر گرفته و در مواجهه با کودکان به تناسب فعالیتی که تعیین شده است، موارد ضروری را به هنرجویان آموزش داده و یادآوری کند.

به‌منظور سهولت در نظارت بر اجرای فعالیت‌های هنرجویان، زمینه‌های اصلی فعالیت آنها با کودکان در نمودار ۷ آورده شده است و در هر مورد نکات مهم برای آموزش و ارائه به هنرجویان و نیز نظارت بر عملکرد آنها آمده است.



نمودار ۷- فعالیت‌های مرتبط با کودکان

بازی‌های آموزشی

هدف از این بازی‌ها لذت بردن و فعالیت کردن کودک و فراهم آوردن امکانات تعامل با محیط است. استفاده از وسایل بازی مناسب مهم‌ترین عامل در آموزش کودک است. بازی‌های آموزشی موجب تقویت حواس و رشد مهارت‌های ذهنی و اجتماعی کودک می‌شود. در چنین شرایطی نقش حمایتی مربی شامل رعایت نکات زیر است:

- مواد آموزشی و تجهیزات با سطح رشدی کودکان مناسب باشد.
- وسایل به تعداد کافی در اختیار کودکان قرار گیرد.

- به نکات ایمنی و بی‌خطر بودن بازی توجه کنید.
- هرگز در میانه بازی به دلیل همراهی نکردن مناسب کودک او را به ترک بازی وادار نکنید، بلکه شرایط لازم برای یادگیری نحوه حضور مؤثر را به او آموزش دهید.
- شیوه‌های رقابتی را در پیش نگیرید و بر روی برنده و بازنده شدن متمرکز نشوید.
- در صورت بروز اختلاف میان کودکان، شما دخالت نکرده و از هیچ کدام جانب‌داری نکنید، اما تلاش نمایید آنها بدون اینکه به یکدیگر آسیبی برسانند، مسئله خود را حل کنند.
- فضای لازم و مناسب برای بازی را تدارک ببینید.
- در طول بازی از کودکان سؤال کنید که چه کاری انجام می‌دهند.

ساخت‌وساز همراه کودکان

زمانی که کودک می‌تواند با کمک ابزار دست‌ورزی کند و وسیله‌ای بسازد، در این صورت امکان ساخت‌وساز پیش می‌آید. برای این منظور لازم است کودکان بتوانند مشاهده کنند، تمرین و تکرار و پرسش کنند و شکلی را بسازند. الگو دادن به کودک او را وادار می‌کند تا شیوه بیان خود را به کار نگیرد و از دیگران تقلید کند و به مرور خلاقیت او کاهش یابد. رعایت زمینه‌های زیر در اجرای یک ساخت‌وساز متناسب کودک قابل توجه است:

- اگر کودک از آنچه ساخته است، رضایت ندارد، باید به او فرصت دهید تا آزادانه با وسایل کار کند و با تغییر دادن دوباره، آنچه را می‌خواهد بسازد.
- هرگز عملکرد کودکان یا نتیجه کارشان را با یکدیگر مقایسه نکنید.
- در ساخت‌وساز، مهم‌تر از نتیجه، فرایند انجام کار است. مربی در طول انجام کار باید بر عملکرد آنها نظارت داشته و بازخوردهای ضروری را ارائه کند.
- گفت‌وگو در مورد وسیله ساخته شده با کودک از اجزای مهم در این شیوه است. لازم است مربی از کودک سؤال کند او چه چیزی ساخته است؟ با چه ابزار و موادی کار کرده است و چه احساسی در مورد دست‌سازه خود دارد؟
- حداکثر تلاش خود را به کار گیرید تا برای ساخت‌وساز از وسایل بازیافتی و دورریختنی‌ها استفاده کنید.
- توجه کودکان را به موارد ایمنی جلب کرده و این نظارت را تا پایان دنبال کنید.
- رعایت نظافت و بهداشت را متذکر شده و شیوه انجام آن را به کودک آموزش دهید.
- ابزار را پیش از شروع کار معرفی کرده و نحوه کاربرد آن را شرح دهید.
- استفاده از لباس کار در حین ساخت‌وساز موجب راحتی بیشتر کودک در برابر کثیفی و نازیبایی لباسش می‌شود.
- در کنار کلاس، وسایل دیگر مانند دکمه، پارچه و... را قرار دهید تا کودکان به فراخور خلاقیت خود از آنها استفاده کنند.

نقاشی همراه با کودک

نقاشی، زبان کودک و وسیله ارتباط او با دنیای اطرافش است. در کتاب حاضر هر جا از نقاشی با کودکان صحبت شده است، منظور آموزش نقاشی کردن نیست، بلکه صرفاً آن نقاشی‌هایی است که توسط کودک کشیده می‌شود. بنابراین، هر تعریفی که کودک از خط و رنگ داشته باشد، برای مربی قابل قبول است. مربی تنها می‌خواهد تا کودک از طریق نقاشی بتواند اندیشه و احساس خود را به اشتراک بگذارد. به همین دلیل، توجه به برخی نکات مانند موارد زیر، در شکل‌گیری و تحقق این هدف ضروری است:

- کودک نیاز دارد تا با تشویق و نیز در اختیار داشتن فرصت لازم، خود را در نقاشی بیان کند.
- ممکن است نقاشی کودک برای دیگران مفهوم نباشد و به همین دلیل گفت‌وگو کردن با کودک در مورد چیزی که کشیده است، می‌تواند راهگشا باشد.
- گاه کودک چیزهایی را می‌کشد که امکان دیدن آن با چشم وجود ندارد، مانند صدای دیگران؛ اما مهم این است که مربی واکنش هیجان‌مدار و غیرقابل باور از خود نشان ندهد.
- نقاشی کردن به نوعی آشنایی بیشتر کودک با محیط است. به همین دلیل جای نقد از نظر زیبایی‌شناسی یا بیان قاعده‌های واقعی از هر تصویر وجود ندارد.
- بی‌علاقگی کودک به نقاشی کشیدن این پیام را به مربی می‌رساند که لازم است برای جایگزینی در چنین موقعیت‌هایی، به فعالیت‌های دیگر نیز بیندیشد.

قصه‌گویی و شعرخوانی همراه با کودک

قصه‌گویی مهارتی آموختنی و تمرین‌کردنی است و به همین دلیل است که کودکان با وجود آنکه همگی از انواع قصه‌ها لذت می‌برند، اما این واکنش در برابر همه قصه‌گوها یکسان نیست. قصه از جمله فعالیت‌های تأثیرگذاری است که کودک را در دنیای خیال رها می‌کند و در عین حال، موجب تقویت حس شنیداری، کلامی و نیز آشنایی با مفاهیم دیگر می‌شود. قصه‌گویی ممکن است به صورت‌های گوناگونی اجرا شود که به تناسب هر یک می‌تواند ابزار و شرایط خاصی نیز بطلبد. به طور کلی، قصه‌گویی برای کودکان نیازمند توجهات خاصی است که در ادامه آمده است.

- قبل از قصه‌گویی لازم است مربی، قصه را بخواند و بتواند آن را روان و بدون اشکال بیان کند.
- در طول قصه‌گویی به لحن بیان و تن صدای خود توجه کند و به گونه‌ای فراز و فرودها و احساسات و هیجان داستان را با صدای خود نشان دهد.
- قصه را با توجه به شرایط، کوتاه‌تر بیان کند.

- مطالب را با آرامش بیان کند و تمرکز خود را در روال قصه از دست ندهد.
 - شخصیت‌های داستان را به زیبایی از هم تفکیک کند و در صدای خود نشان دهد که از جانب کدام یک سخن می‌گوید.
 - خلاقیت به خرج دهد و گاهی فی‌البداهه به داستان اضافه یا از آن کم کند.
 - برای تعیین شرایط مناسب قصه‌گویی، وسایل و ابزار لازم را تدارک ببیند.
 - در مکان مناسبی کودکان را دعوت به شنیدن داستان کند.
 - اگر کودکان در حین داستان‌گویی مشغول انجام کارهای دیگر شدند و در واقع به نوعی جذب داستان نبودند، نتیجه بگیرد که در قصه‌گویی جذابیت لازم را از خود نشان نداده و لازم است تغییر رویه دهد. اینجا کودکان مقصر نیستند و نباید در هیچ شرایطی سرزنش شوند.
 - قصه‌گویی را در مکان ساکت ارائه دهد و زمان آن را متناسب با توان کودک در نظر بگیرد. وسایل جذاب را از اطراف کودک دور کند و در عین حال اجازه دهد تا کودکان با شیوه‌ای که راحت‌تر هستند مثلاً دراز بکشند، لم بدهند و... به داستان گوش کنند.^۱
- همهٔ موارد یادشده، برای شعرخوانی نیز ضرورت دارند و در عین حال لازم است مربی، شعر را با صدای رسا و دل‌نشین بخواند. از فریاد زدن پرهیز کرده و کودکان را نیز به فریاد کشیدن در حین همه‌خوانی شعر ترغیب نکند.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب پرورش مهارت‌های کلامی کودک - پایه یازدهم مراجعه کنید.

شماره	عنوان فعالیت	بازی		گروهی	داستان و منابع مکتوب			گفت‌وگو	فهرست نویسی	نمایش فیلم	بازدید از	نقاشی	ساخت وساز	اجرا		برگزاری نمایشگاه	گزارش نویسی	طراحی فعالیت	پروژه‌ها	ارائه	
		فردی	گروهی		روایت	نگارش	مقاله							نمایش	سرود						
۱۵	فعالیت در کلاس							✓												✓	
۱۶	فعالیت در خانه							✓									✓				✓
۱۷	فعالیت در خانه																✓				✓
۱۸	فعالیت در کلاس																				✓
۱۹	فعالیت در کلاس							✓													✓
۲۰	فعالیت در خانه																				✓
۲۱	فعالیت برای کودکان		✓					✓	✓			✓									✓
۲۲	فعالیت در کلاس							✓													✓
۲۳	فعالیت در کلاس							✓													✓
۲۴	فعالیت در کلاس							✓													✓
۲۵	فعالیت در کلاس							✓													✓
۲۶	فعالیت در کلاس							✓	✓												✓
۲۷	فعالیت برای کودکان		✓					✓	✓		✓										✓
۲۸	فعالیت در خانه								✓												✓
۲۹	فعالیت در کلاس																				✓
۳۰	فعالیت در کلاس																				✓

کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان

فعالیت‌های واحد یادگیری ۲: پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران

شماره	عنوان فعالیت	بازی		داستان و منابع محبوب		گفت‌وگو	فهرست نویسی	نمایش فیلم	بازدید و اردو	نقاشی	ساخت و ساز	اجرا		برگزاری نمایشگاه	گزارش نویسی	طراحی فعالیت	پژوهش	ارائه
		فردی	گروهی	روایت	نقاشی							سرود	نمایش					
۱	فعالیت در کلاس					✓												✓
۲	فعالیت در کلاس					✓												
۳	فعالیت در کلاس					✓			✓							✓		✓
۴	فعالیت برای کودکان	✓		✓														
۵	فعالیت در کلاس					✓			✓									✓
۶	فعالیت برای کودکان			✓														
۷	فعالیت در کلاس	✓																✓
۸	فعالیت در کلاس					✓												
۹	فعالیت در کلاس			✓														
۱۰	فعالیت در کلاس																	✓
۱۱	فعالیت در کلاس					✓										✓		✓
۱۲	فعالیت در خانه																	✓
۱۳	فعالیت برای کودکان								✓									✓

کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودکان

فعالیت‌های واحد یادگیری ۳: توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران

شماره	عنوان فعالیت	بازی		گروهی	داستان و منابع محبوب			گفت‌وگو	فهرست نویسی	نمایش فیلم	بازدید اردو	تقاضی	ساخت‌وساز	اجرا		برگزاری نمایشگاه	گزارش نویسی	طراحی فعالیت	پروژه	ارائه
		فردی	گروهی		روایت	نگارن	مطالعه													
۱	فعالیت در کلاس							✓												
۲	فعالیت در کلاس						✓													
۳	فعالیت برای کودکان										✓						✓			
۴	فعالیت برای کودکان										✓						✓			
۵	فعالیت در کلاس							✓												✓
۶	فعالیت برای کودکان		✓					✓			✓									
۷	فعالیت برای کودکان							✓			✓									
۸	فعالیت برای کودکان						✓	✓			✓									
۹	فعالیت برای کودکان						✓	✓			✓									
۱۰	فعالیت با کودکان							✓												
۱۱	فعالیت برای کودکان							✓			✓									
۱۲	فعالیت برای کودکان							✓			✓									
۱۳	فعالیت در کلاس							✓												
۱۴	فعالیت در کلاس							✓												
۱۵	فعالیت در خانه										✓									
۱۶	فعالیت برای کودکان		✓								✓									
۱۷	فعالیت در کلاس																			

شماره	عنوان فعالیت	بازی		داستان و منابع مکتوب	گفت‌وگو	فهرست نویسی	فیلم	بازدید و اردو	نقاشی	ساخت و ساز	اجرا		برگزاری نمایشگاه	گزارش نویسی	طراحی فعالیت	پروژه	ارائه
		گروهی	فردی								سرود	نمایش					
۱۵	فعالیت برای کودکان				✓					✓						✓	
۱۶	فعالیت در کلاس			✓	✓												✓
۱۷	فعالیت در کلاس			✓	✓					✓							✓
۱۸	فعالیت در کلاس				✓			✓					✓				✓
۱۹	فعالیت در کلاس				✓												✓
۲۰	فعالیت در کلاس				✓				✓								✓
۲۱	فعالیت برای کودکان				✓				✓					✓			✓
۲۲	فعالیت در کلاس				✓				✓					✓			✓
۲۳	فعالیت برای کودکان				✓					✓							✓
۲۴	فعالیت برای کودکان				✓					✓							✓
۲۵	فعالیت در کلاس				✓												✓
۲۶	فعالیت در کلاس				✓									✓			✓
۲۷	فعالیت در کلاس				✓									✓			✓
۲۸	فعالیت در کلاس				✓									✓			✓
۲۹	فعالیت در کلاس			✓	✓		✓		✓	✓				✓			✓
۳۰	فعالیت برای کودکان				✓								✓				✓
۳۱	فعالیت در کلاس				✓												✓

شماره	عنوان فعالیت	بازی		گروهی	داستان و منابع محبوب			گفت‌وگو	فهرست نویسی	نمایش فیلم	بازدید اردو	تقاضی	ساخت‌وساز	اجرا		برگزاری نمایشگاه	گزارش نویسی	طراحی فعالیت	پروژه	ارائه
		فردی	گروهی		روایت	نگارش	مطالعه							نمایش	سرود					
۱۶	فعالیت در کلاس							✓				✓								✓
۱۷	فعالیت در کلاس							✓												✓
۱۸	فعالیت برای کودکان		✓		✓			✓			✓				✓					✓
۱۹	فعالیت در کلاس							✓												✓
۲۰	فعالیت در کلاس							✓			✓									✓
۲۱	فعالیت در خانه									✓		✓				✓				✓
۲۲	فعالیت در کلاس							✓												✓
۲۳	فعالیت برای کودکان		✓					✓												✓
۲۴	فعالیت در کلاس							✓												✓
۲۵	فعالیت برای کودکان		✓					✓			✓				✓					✓
۲۶	فعالیت در کلاس							✓												✓
۲۷	فعالیت در کلاس							✓												✓
۲۸	فعالیت برای کودکان		✓					✓												✓
۲۹	فعالیت برای کودکان																			✓
۳۰	فعالیت برای کودکان				✓			✓												✓
۳۱	فعالیت برای کودکان				✓			✓			✓									✓
۳۲	فعالیت برای کودکان							✓			✓									✓
۳۳	فعالیت برای کودکان		✓					✓												✓



فصل ۴

راهنمای تدریس واحدهای یادگیری

روان‌شناسان تأکید دارند که شخصیت انسان را باید به صورت کل و یکپارچه ببینیم. معنای ساده این نکته آن است که حتی اگر برای سهولت بحث درباره شخصیت، آن را به ابعادی مانند: شناختی، جسمانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و غیره تقسیم کنیم، این ابعاد را جدای از هم نپنداریم یا یکی را بر دیگری ارجح ندانیم. همه ابعاد شخصیت بر همدیگر تأثیر متقابل دارند و هر گونه اتفاق و تغییر در یک بُعد، ابعاد دیگر را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه این موضوع همان ضرب‌المثل قدیمی است که می‌گوید: «عقل سالم در بدن سالم است». اگر وضعیت جسمانی کسی مناسب و متعادل باشد، به احتمال زیاد افکار و احساسات او هم در شرایط بهتری خواهد بود. به مثال‌های دیگری هم می‌توان اشاره کرد: اگر کسی با آموزه‌های اخلاقی جدیدی آشنا شود و آنها را به کار ببرد، این رویه تغییراتی در رفتارهای عاطفی و اجتماعی او هم ایجاد خواهد کرد. اگر فردی دچار اندوهی بزرگ یا شکستی عاطفی شود، شاید در وضعیت تغذیه و توجه به سلامت جسمانی او هم کاستی‌هایی به وجود آید. اگر دانش و آگاهی‌های انسان ارتقا یابد، احتمال دارد که او انگیزه بیشتری برای رشد و تحول در ابعاد دیگر شخصیت به دست آورد. شما هم می‌توانید مثال‌های دیگری به این موارد اضافه کنید.

اما این نکته چه کارکردهای تربیتی دارد؟ در آماده‌سازی و ارتقای مهارت‌های هنرجویان چه استفاده‌ای می‌توان از آن کرد؟ چرا تأکید بر این موضوع برای آغاز مباحث این فصل کتاب انتخاب شده است؟

همه می‌دانیم که تربیت شامل یک سری مبانی و اصول است که دانستن آنها می‌تواند راهنمای هر هنرآموز، مربی، مادر و پدر و هرکسی باشد که با تربیت سروکار دارد. یکی از مهم‌ترین مبانی تربیت، توجه به رشد و تحول همه ابعاد شخصیت است. به عبارتی، تربیت باید با همه‌جانبه، چندبعدی و منسجم باشد. هر مربی وظیفه دارد بر این نکته تأکید کند و در عمل به آن پایبند باشد.

بنابراین، اگر قرار است درباره مهارت‌های عاطفی - اجتماعی تدریس کنیم، درست نیست چنین القا شود که این موضوع مهم‌ترین بحث تربیتی در مورد کودکان است. به همین ترتیب، اگر موضوع درس بهداشت و سلامت است، نباید ذهن هنرجویان را به سمتی ببریم که تصور کنند اهمیت آن از موضوعات دیگر بیشتر است.

نگاه همه‌جانبه به تربیت یکی از ویژگی‌های مهم کتاب «پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی» است. در جای جای مطالب کتاب سعی شده است ارتباط ابعاد شخصیت مورد توجه قرار گرفته و تعامل این ابعاد مورد تأکید قرار گیرد. لازم است به اهمیت رفتارهای عاطفی و اجتماعی در شخصیت انسان توجه داشته باشیم، اما باید همچنین هنرجویان را متوجه این نکته بکنیم که یک کودک، ضمن آنکه از عواطف و تمایلات

اجتماعی برخوردار است، انسانی پیچیده و دارای شخصیتی پویاست. موضوع اصلی مطالب و فعالیت‌های این کتاب، مهارت‌های عاطفی - اجتماعی است؛ اما برای تحقق اهداف کتاب و مباحث آن باید از مبانی تربیت دور نیفتیم. اگر یک هنرجو با این باور دوره تحصیلی خود را به پایان برساند که وظیفه‌اش کمک به رشد و تحول همه ابعاد شخصیت کودک است و تربیت متعادل یعنی نگاه همه‌جانبه و چندبعدی به انسان؛ در این صورت می‌توان پیش‌بینی کرد که در مسیری منطقی و حرفه‌ای قرار گرفته است.

توصیه‌های اساسی دیگر

علاوه بر نکته‌ای که بیان شد، به هنرآموزان عزیز توصیه و تأکید می‌کنیم که در تدریس واحدهای یادگیری کتاب به موارد زیر هم توجه داشته باشند:

- در آغاز سال تحصیلی، همه پودمان‌های کتاب (نمودار ۱) را به اختصار و با استفاده از تصویر به هنرجویان معرفی کنید. می‌دانید که طبق نظریه یادگیری گشتالت، «کل خوانی» یکی از اصول یادگیری است. اگر هنرجویان به عنوان پودمان‌ها توجه کنند، نگاهی به فهرست مطالب بیندازند و کل کتاب را در حد ۲۰-۳۰ دقیقه‌ای ورق بزنند و به‌طور کلی مرور کنند، چهارچوبی در ذهن آنها شکل می‌گیرد که در ادامه سال تحصیلی به آنان در درک بهتر مطالب کمک خواهد کرد.



نمودار ۱- پودمان‌های درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک

■ لازم به تذکر است که در کتاب حاضر به توضیح همه اهداف و فعالیت‌ها پرداخته نشده است و فقط بعضی از اهداف آنها که نیاز به مطالب اضافه و راهنمایی لازم داشتند، پرداخته شده است.

■ ضرورت استفاده از همکاری و مشارکت، جزء ویژگی‌های این کتاب است. تا حد امکان، هنرجویان را برای مشارکت در فعالیت‌ها برانگیزید و آنان را ترغیب کنید تا به‌صورت ملموس با موضوعات درگیر شوند. بسیاری از مطالب این کتاب می‌تواند

تأثیر مثبتی بر هنرجویانی داشته باشد که کم‌رو هستند یا به دلایل آشکار و پنهان، سعی می‌کنند در کلاس چندان دیده نشوند.

■ مشاهده‌گر خوبی باشید. می‌توانید به درس فقط به‌عنوان بخشی از تحصیلات هنرجویان نگاه کنید، اما این امکان هم وجود دارد که تدریس را بخشی از راهنمایی ببینید. زمان فعالیت هنرجویان یکی از بهترین موقعیت‌های تربیتی برای مشاهده دقیق و هدفمند است تا به این ترتیب، تک‌تک هنرجویان را بهتر بشناسید و ارزشیابی درستی از شایستگی‌ها داشته باشید تا آنهایی را که تصور می‌کنید دچار تنش‌ها و اضطراب‌هایی هستند، تشخیص دهید.

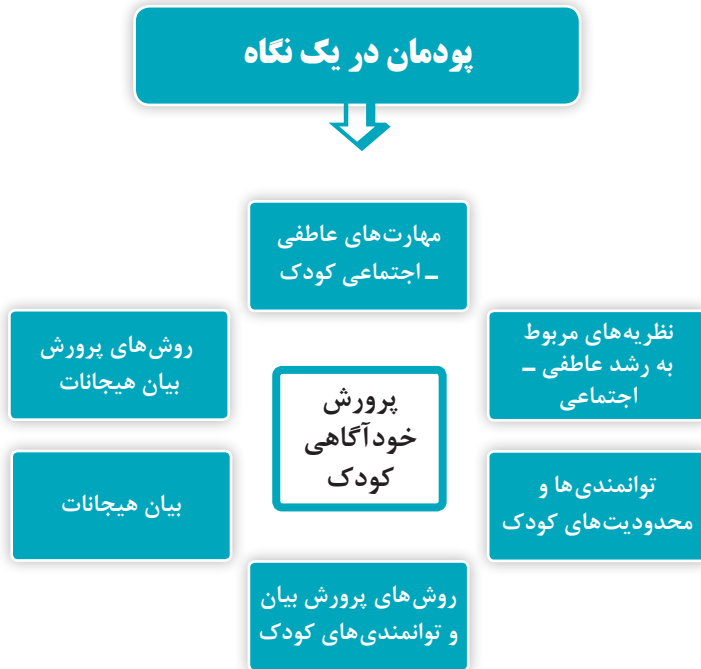
■ تا جایی که زمان و شرایط اجازه می‌دهد، فعالیت‌ها را اجرا کنید. در صورتی که برای اجرای فعالیتی امکانات و الزامات فراهم نیست، فعالیت‌های جایگزین طراحی و اجرا کنید.

■ با آنکه موضوعات با فعالیت‌های ذهن‌انگیز آغاز شده‌اند، با توجه با ماهیت مباحث عاطفی - اجتماعی، هنرآموز می‌تواند بحث‌ها را با مثال‌هایی ساده از زندگی روزمره هنرجویان آغاز کند. مثلاً وقتی از عاطفه سخن می‌گوییم، خوب است از هنرجویان بپرسیم که بین خانواده و آشنایان خانمی با نام «عاطفه» سراغ دارند و تا به حال معنای اسمش را از وی سؤال کرده‌اند؟ در خانواده‌شان چه کسی بیشتر واژه عاطفه را به کار می‌برد و چرا؟

■ با توجه به ظرافت بسیاری از موضوعات و فعالیت‌ها، هنرجویان را وارد مقایسه و رقابت نکنید و به آنها تأکید کنید که در کار با کودکان هم از مقایسه و ایجاد رقابت بپرهیزند.

■ با آنکه سطح سنی مخاطب در درک مباحث کتاب تا حد امکان رعایت شده است، ممکن است مطالبی هم باشند که اندکی دشوار به‌نظر برسند. چنین مطالبی بنا به ضرورت آمده و به‌دلیل برخی ملاحظات و محدودیت‌ها، گسترش آنها امکان‌پذیر نبوده است. تدریس این نوع مطالب مستلزم مطالعه و دستیابی به اطلاعات بیشتر از طرف هنرآموز است.

واحد یادگیری ۱ پرورش خودآگاهی کودک



این قسمت، اولین پودمان درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک است. زمان آموزش ۶۰ ساعت است که به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می‌شود. بسته آموزشی این واحد یادگیری شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این واحد یادگیری با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی است.

ابزار: لوازم التحریر، تصاویر، فیلم و پوستر آموزشی، کتاب همراه هنرجو، راهنمای هنرآموز

فضا: کارگاه/ کلاس، فضای مرکز پیش از دبستان

هدف توانمندسازی ۱-۱ مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک را توضیح دهد.

توسعه شناخت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک

در این واحد یادگیری حجم مباحث به نسبت واحدهای دیگر بیشتر است. تعاریف اصلی و پایه‌ای در این قسمت آمده‌اند که گاهی ممکن است با حوصله هنرجویان سازگار نباشد. فعالیت‌ها هم در ساده‌سازی مفاهیم به شما کمک می‌کنند و هم فضایی متنوع و فعال در کلاس به وجود می‌آورند. بنابراین، اگر فعالیت‌ها با کیفیت مناسب انجام نشوند، ممکن است مباحث خسته‌کننده به نظر آیند.

بیشتر فعالیت‌ها ساده هستند و نیاز به توضیح خاصی ندارند. در ادامه به توضیح درباره‌ی بعضی از مطالب و فعالیت‌ها می‌پردازیم.

عاطفه و مفاهیم مشابه

یکی از بحث‌هایی که در این قسمت ممکن است پیش آید، واژه‌های مترادف و مشابه است. در مورد کارکرد کلماتی چون عاطفه، هیجان و احساس، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای برای هر کدام تعریف جداگانه‌ای دارند و گروهی هم ترجیح می‌دهند که همه را به یک معنی به کار ببرند. اگر بخواهیم این سه مفهوم را تفکیک کنیم، می‌توان آنها را در طیفی از ساده و ملایم تا پیچیده و شدید؛ یعنی به ترتیب: احساس، عاطفه و هیجان قرار داد. بر این اساس می‌توان در تفکیک بین مفاهیم فوق مطالب زیر را بیان کرد:

احساس: برای احساس باید دو مفهوم متمایز در نظر گرفت. یک مفهوم آن به همراه ادراک می‌آید. در این معنی، احساسات تجربه‌هایی هستند که توسط محرک‌های ساده ایجاد می‌شوند. در ادراک، تلفیق و تفسیر معنادار احساسات صورت می‌گیرد. مفهوم دوم از احساس، همان است که کم‌وبیش به عاطفه تعبیر می‌شود. گاهی احساس، به معنای عواطف اولیه یا ساده در نظر گرفته می‌شود. با این نگاه، وقتی کسی از احساس خوشایند یا ناخوشایند خود نسبت به موضوعی سخن می‌گوید، منظورش عواطفی است که هنوز کامل نشده‌اند و در حالت اولیه قرار دارند.

عاطفه: عواطف، احساسات مثبت یا منفی‌ای هستند که باعث واکنش انسان به افراد و رویدادها می‌شوند و با فعالیت‌های فیزیولوژیکی بدن همراه هستند. مثلاً دوست داشتن، یک احساس مثبت است که دستگاه عصبی و هورمونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مقابل، ترس احساسی منفی است که بر دستگاه عصبی و هورمونی به شکل دیگری اثر می‌کند.

۱- Sensation

۲- Affection

در انسان شش عاطفه اصلی وجود دارد که طیف گسترده‌ای از عواطف را به وجود می‌آورند. این عواطف به دو گروه منفی و مثبت تقسیم می‌شوند. عواطف منفی شامل: تنفر، ترس، خشم و غم و عواطف مثبت شامل خوشحالی و تعجب می‌باشد. **هیجان**: هیجانات را غالباً رویدادهای بیرونی برمی‌انگیزند. هیجان، وضعیت پیچیده‌ای در پاسخ به تجربه‌های احساسی است. هر هیجان شدید حداقل شش مؤلفه دارد: تجربه شخصی و ذهنی، پاسخ‌های جسمانی درونی، شناخت‌های شخصی، جلوه‌های چهره، واکنش‌های کلی، گرایش به اعمال معین. به‌طور معمول، هیجان و عاطفه با هم به کار برده می‌شوند، اما هیجان را می‌توان حالات بدنی و جلوه‌های بیرونی عاطفه دانست که معمولاً به‌صورت تغییراتی در تنفس، ضربان قلب، ترشح هورمون‌ها و علائم دیگر ظاهر می‌شوند. هیجانات هنگام بروز عواطف و شدت یافتن آنها به وجود می‌آیند. و در مقابل، هیجانات نیز می‌توانند عواطف را تحت تأثیر قرار دهند. مثلاً هنگامی که خیلی خوشحال می‌شوید، هیجاناتی به شما دست می‌دهد که آن را با افزایش ضربان قلب یا تنگی تنفس احساس می‌کنید. گاهی این هیجانات، ممکن است همان خوشحالی را به گریه یا حتی غم تبدیل می‌کند.

اهداف رشد عاطفی - اجتماعی

در این قسمت شاید واژه‌ای که نیاز به اندکی توضیح دارد، «تعادل‌یابی» است. «تعادل» مفهومی است که بیشتر اساس زیستی - عصبی دارد. حیات آدمی در گرو ثابت ماندن رویدادهای درونی است. اگر حرارت مغز بیش از چند درجه تغییر کند، بلافاصله از هوش می‌رویم. اگر نسبت آب بدن بیش از چند درصد بالا یا پایین برود، کارکرد مغز و بدن مختل می‌شود و خطر مرگ پیش می‌آید. انسان و حیوان بر لبه پرمخاطره تعادل میان دو حد مرگ و زندگی گام برمی‌دارند. بنابراین، انسان موجودی تعادل‌جو و تعادل‌یاب است. هر رویدادی که این تعادل را بر هم زند، انسان را به تدابیری وا می‌دارد تا هر چه زودتر تعادل را بازگرداند. بسیاری از رویدادهای درونی بدن مانند دما، تشنگی و گرسنگی به منزله فرایندهایی تعادلی هستند که حیات انسان به آنها وابسته است.

دامنه موضوع تعادل را می‌توان به عواطف و هیجانات هم کشاند. گاه یک هیجان شدید، تعادل روانی انسان را مختل می‌کند و مخاطراتی برای او یا دیگران به وجود می‌آورد. برای مثال، شدت یافتن خشم عامل بسیاری از رفتارهای اجتماعی ناهنجار است، رفتارهایی که ممکن است سرانجام غیرقابل بازگشتی داشته باشد. بنابراین، یکی از اهداف رشد عاطفی - اجتماعی آن است که تعادل‌یابی را در افراد تقویت کند تا آنها یاد بگیرند بین هیجانات و رفتارهای اجتماعی، منطق را برقرار سازند.

نتیجه این موضوع آن خواهد بود که یک فرد بتواند هنگام بروز یک هیجان شدید، تدابیری برای بازگشت سریع به حالت تعادل و آرامش داشته باشد. اصولاً تعادل و اعتدال می‌تواند یکی از رموز زندگی سالم و شاداب باشد. افراط و تفریط حتی اگر به ظاهر لذتی به همراه داشته باشد، در نهایت شخصیت انسان را دچار اختلال می‌کند.

«تعادل‌یابی» نیاز انسان و «اعتدال»، سبک زندگی مطلوب است. در مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش و بحث «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران»، از اصول تربیت سخن رفته است. یکی از این اصول، «اصل اعتدال» است که در تبیین آن آمده است:

همان طوری که حیات طیبه همه شئون وجودی انسان را به طور متعادل دربرمی‌گیرد، فرایند تربیت نیز باید اولاً تمام ابعاد زندگی متریبان را پوشش دهد و ثانیاً با توجه به لزوم رعایت اعتدال و توازن در همه امور و شئون حیات طیبه، باید بر تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی توازن و اعتدال حکم‌فرما باشد و از تعیین اهداف و سیاست‌ها تا برنامه‌ریزی و اقدام و اصلاح، از یکسونگری و افراط و تفریط و بی‌توجهی به حدود و معیارها پرهیز شود. بدیهی است ملاک تشخیص حد وسط و تعادل در این میان، همان نظام معیار دینی است.

اصول رشد عاطفی - اجتماعی

«اصل» به رابطه مقرر میان پدیده‌ها گفته می‌شود و شامل حقایقی علمی و مقبول برای همه است. اصل، امری است عینی و واقعی که انتظار می‌رود همه بدان پایبند باشند. رعایت اصول ما را راحت‌تر به اهداف می‌رساند. به عبارتی، «اصل» منشأ انتخاب روش است و ما با اتخاذ روش‌های صحیح مبتنی بر اصول، به هدف تربیتی خواهیم رسید.

در حوزه‌های گوناگون علم ابتدا اصول بیان می‌شوند تا مخاطبان با چهارچوب‌های مورد توافق در آن آشنا شوند.

خوب است توجه هنرجویان به اصول بیشتر جلب شود تا آنها به اصول در حوزه‌های علمی گوناگون اهمیت بدهند.

در کتاب حاضر متناسب با موضوع بحث، از پنج اصل سخن به میان آمده است، اما در روان‌شناسی رشد و تحول، اصول دیگری هم وجود دارند. هنرجویان علاقه‌مند را برای یافتن این اصول می‌توانید به منابع معتبر روان‌شناسی رشد ارجاع دهید.

شاید شما هم بازی با لکه‌ها را در کودکی و نوجوانی انجام داده باشید. می‌دانید که این لکه‌ها مبانی یکی از مهم‌ترین آزمون‌های روان‌شناختی به نام «آزمون رورشاخ» است. این نوع آزمون‌ها در گروه آزمون‌های روانی فراقکن قرار می‌گیرند



که ویژگی‌های شخصیت را از طریق تصاویر مبهم استخراج می‌نماید؛ تصاویری که هر کس براساس تصورات و تخیلات خود آنها را تعبیر می‌کند. انواع آزمون‌های فرافکن برای کودکان و بزرگسالان وجود دارند که اجرا و تفسیر آنها کاری تخصصی است.

هدف توانمندسازی ۲-۱: فعالیت‌هایی را برای توسعه شناخت مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک طراحی و اجرا کند.

شاخص‌های رشد عاطفی - اجتماعی

همان‌طور که پیش از این گفته شد به زیرمجموعه‌های یک پدیده که در سنجش آن پدیده استفاده می‌شوند، شاخص می‌گویند.

در کتاب حاضر به شش شاخص اشاره شده است. بیان این شاخص‌ها فقط به منظور نشان دادن ماهیت رشد عاطفی - اجتماعی است، اما سنجش آنها مستلزم ابزارها و شرایط تخصصی است. به‌طور معمول، در روان‌شناسی، سنجش چنین مواردی با استفاده از انواع آزمون‌ها صورت می‌گیرد. نکته قابل توجه دیگر در این بحث، تفکیک دو شاخص «سازگاری اجتماعی» و «تجربه اجتماعی» است.

زندگی اجتماعی بدون وجود عواطف سالم غیرممکن است. زمانی که فرد نتواند با دیگران روابط عاطفی برقرار کند یا این روابط را ادامه دهد، در واقع مرگ اجتماعی او آغاز شده است. شخص سالم می‌تواند با محیط اجتماعی خود بهتر سازگار شود، تغییر یابد و تغییر دهد و نیز می‌تواند تقریباً بدون فشارهای روانی (استرس) و تعارض، با هم‌نوعانش زندگی کند. پس، «سازگاری اجتماعی» یکی از شاخص‌های رشد عاطفی - اجتماعی است.

از طرف دیگر، افزایش سن و روبه‌رو شدن با رویدادها و موقعیت‌های گوناگون، تجربه‌های آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجربه کودک یک ساله با کودک چهار ساله از برقراری روابط متفاوت است، چرا که کودک چهار ساله فرصت‌های فراوانی داشته است تا با مادر، پدر، افراد دیگر خانواده، اطرافیان و دوستان در موقعیت‌های گوناگون مواجه شود و تجربه‌های جدیدی از برقراری روابط عاطفی و اجتماعی کسب کند.

هنرجویان باید توجه داشته باشند که سازگاری اجتماعی با گذر عمر تغییر می‌کند و برای درک بهتر این تغییرات لازم است هم با ویژگی‌های سطوح سنی کودکان بیشتر آشنا شوند و هم شرایط زندگی و محیط اجتماعی هر کودک را بشناسند.



منظور از این فعالیت آن است که هنرجویان به درکی عینی و ملموس از روابط عاطفی و اجتماعی برسند. آنان در این فعالیت نمی‌توانند با استفاده از دست‌های خودشان خوراکی بخورند. بنابراین، انتظار می‌رود به این نتیجه برسند که هر کس خوراکی را در دهان دوستش بگذارد و طبعاً خودش هم باید از دست یک دوست خوراکی بخورد. این فعالیت ضمن آنکه شاد و مفرح است، اگر با گفت‌وگوی مؤثر ادامه یابد، هنرجویان را متوجه ابعاد دیگری از روابط عاطفی و اجتماعی خواهد ساخت.

عوامل مؤثر بر رشد عاطفی - اجتماعی

لازم است یادآوری شود که وقتی از رشد و تحول در همه ابعاد زندگی و شخصیت سخن می‌گوییم، طبیعی به نظر می‌رسد که عوامل مؤثر در همه این ابعاد یکسان باشند. بنابراین، آنچه در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است، تفاوت چندانی با مباحث مشابه ندارد. فقط می‌توان گفت که در هر یک از ابعاد رشد، شاید تأثیر عوامل متفاوت باشد. برای مثال، در مورد رشد عاطفی - اجتماعی بر عواملی چون فرهنگ جامعه و خانواده بیشتر می‌توان تأکید کرد.

اهمیت نظریه‌ها

در این کتاب فقط از سه نظریه مرتبط با رشد عاطفی - اجتماعی سخن به میان آمده است. در مورد هر نظریه هم فقط به چهارچوب کلی و مفاهیم مرتبط با آن اشاره شده است. نظریه‌های دیگری هم قابل طرح بودند که به دلیل اجتناب از افزایش حجم کتاب و سنگین شدن محتوا، کنار گذاشته شدند. فقط جهت اطلاع هنرآموز یک گروه از نظریه‌ها در ادامه آمده است تا به تعامل بین رشد عاطفی - اجتماعی با رشد شناختی توجه داشته باشید.

یک نکته بسیار مهم در این میان، اصلاح نگرش هنرجویان نسبت به نظریه‌هاست. درست است که هنرجویان در سال‌های بعد و مراحل تحصیلات دانشگاهی با نظریه‌ها بیشتر آشنا خواهند شد، اما شاید لازم باشد از همین جا نگرش درستی به موضوع پیدا کنند. ما در یک شرایط فرهنگی قرار داریم که خیلی‌ها تصور می‌کنند نظریه‌ها مطالبی گنگ و سنگین هستند و فقط به درد کتاب می‌خورند. در حالی که واقعیت موضوع این نیست و نظریه‌ها مبنای عمل هستند. تبیین اهمیت نظریه‌ها در علم و تأثیر آنها در عمل و کاربرد، شاید کار راحتی نباشد. در این باره توضیحاتی می‌دهیم، ولی مهم‌تر از این توضیحات، نقش هنرآموز و جدیت او برای بحث و چالش است. در هر حوزه علمی ما با تعدادی از نظریه‌ها مواجه هستیم. شاید لازم باشد به جایگاه و کاربرد نظریه‌ها و ارتباط آنها با کاربرد و میدان عمل بیشتر توجه کنیم. در این باره، چند نکته قابل تأمل وجود دارد:

■ هر نظریه، مبتنی بر مطالعات، تجارب و یافته‌های پژوهشی فراوان و حاصل سال‌ها تلاش است.

- نظریه‌ها، قوانین، دانش‌ها و علوم گوناگون را نظم می‌دهند.
 - نظریه‌ها می‌توانند تحلیلی از یک موضوع ارائه دهند و منبع تشویق برای پژوهش و تفکر علمی به حساب می‌آیند.
 - نظریه‌ها به درک چرایی یک موضوع و افزایش درک ما از آن کمک می‌کنند.
- در علوم تربیتی هم نظریه‌های برگرفته از پژوهش‌های علمی مربوط به آموزش و یادگیری می‌توانند به‌عنوان ابزارهای ارزشمند، هنرآموزان را در سازمان دادن و روشن ساختن افکارشان یاری دهند و کیفیت تصمیم‌های آنان را دربارهٔ فعالیت‌های آموزشی‌شان بهبود بخشند. از طرفی، یکی از فایده‌های مهم نظریه‌های علمی، ارائهٔ رهنمود به هنرآموزان برای آموزش و کلاس‌داری است. به این ترتیب، نظریه‌ها مبنای عمل هستند و هر هنرآموزی که آگاهی و اشراف بیشتری بر نظریه‌ها داشته باشد، می‌تواند با تسلط و اطمینان بهتری تصمیم بگیرد و عمل کند.

کارکرد نظریه‌های رشد

- نظریه‌های رشد کاربردهای متعددی در فرایند آموزش دارند و یکی از رموز موفقیت هر هنرآموزی، آشنایی با روان‌شناسی رشد است. مطالعهٔ دقیق و مستمر روان‌شناسی رشد به هنرآموز کمک می‌کند تا:
- ویژگی‌های رشد بهنجار را تشخیص دهد.
 - درک بهتری از تفاوت‌های فردی در رشد و آموزش به دست آورد.
 - قضاوت منطقی‌تری در مورد نیازهای هنرجویان داشته باشد.
 - برای طراحی آموزش و تدریس در هر مرحلهٔ سنی، مطابق ویژگی‌های آن عمل کند.
 - در برنامه‌ریزی تربیتی خود، توجه به ابعاد گوناگون رشد شخصیت هنرجویان را بگنجانند.
- در روان‌شناسی رشد و تحول هم هر یک از نظریه‌ها سعی می‌کنند رشد و تکامل شخصیت انسان و ابعاد گوناگون آن را تحلیل و تبیین کنند. نکتهٔ ظریف آن است که به‌طور معمول هر نظریه فقط بر یک یا دو بعد شخصیت متمرکز می‌شود. اگر به هر یک از نظریه‌های معروف در روان‌شناسی رشد نگاه کنید، می‌بینید که آن نظریه براساس رویکرد نظریه‌پرداز و پژوهش‌های مورد علاقهٔ او تنها بر یک یا دو مورد از ابعاد شخصیت تمرکز کرده است.

نکته



انتظار دارد هنرآموزان با معرفی و تهیهٔ منابع معتبر و متنوع دربارهٔ روان‌شناسی رشد و تحول، به هنرجویان علاقه‌مند کمک کنند تا دانش و آگاهی خود را دربارهٔ نظریه‌ها توسعه دهند.

نظریه‌های شناخت اجتماعی

عده‌ای از روان‌شناسان معتقدند که واکنش‌های عاطفی و اجتماعی کودکان بستگی به چگونگی تفکر آنان دارد. این روان‌شناسان با مراجعه به نظریه‌های رشد شناختی، تأثیر افکار کودکان را در رشد عاطفی - اجتماعی بررسی می‌کنند. نظریه‌های شناخت اجتماعی، حاصل چنین دیدگاهی است که از یک طرف به ادراک، تفکر و استدلال کودکان توجه دارند و از طرف دیگر، تأثیر آنها را در روابط انسانی و رفتارهای اجتماعی مطالعه می‌کنند.

بسیاری از پژوهش‌های مربوط به شناخت اجتماعی از نظریه رشد شناختی ژان پیاژه^۱ الهام گرفته شده است. گروهی از پژوهش‌گران روان‌شناسی رشد، مفاهیم و دیدگاه‌های پیاژه درباره مراحل رشد شناختی را در زمینه‌های عاطفی و اجتماعی نیز دنبال کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، پیاژه معتقد است که کودکان ۴-۵ ساله (مرحله پیش عملیاتی) «خودمدار» هستند؛ بدین معنی که نمی‌توانند درک کنند دیدگاه‌ها و انگیزه‌های دیگران با آنها متفاوت است. همین ویژگی می‌تواند باعث شود تا کودک از چیزی که از نظر بزرگ‌ترها خطرناک است، نترسد یا کار ناموجهی را با اصرار ادامه دهد. از ویژگی‌های دیگر کودکان این مرحله «جاندارانگاری» است. از نظر این کودکان، خورشید، ابر، عروسک‌ها و سایر وسایل بازی، جاندار هستند. کودک با عروسک خود طوری رفتار می‌کند که گویی دارای احساس و عاطفه است. به همین دلیل است که عروسکی را با خود همه جا می‌برد و با او مثل یک دوست واقعی رفتار می‌کند. درک بهتر این دسته از نظریه‌ها مستلزم آشنایی بیشتر با نظریه‌های شناختی است.

فرایند دلبستگی

واژه دلبستگی^۲ برای توصیف تمایل کودک به نزدیک افراد خاص ماندن و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد، به کار می‌رود. این موضوع در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه دانشمندان رفتارشناسی، روان‌شناسی و حوزه‌های دیگر قرار گرفته است.

روان‌شناسان، نخست این نظریه را مطرح کردند که کودک به این علت به مادر دلبستگی پیدا می‌کند که مادر منبع تغذیه است، اما چنین نظریه‌ای پاسخ‌گوی برخی واقعیت‌ها نبود. برای مثال، جوجه اردک‌ها و جوجه مرغ‌ها هر چند از بدو تولد غذایشان را خودشان تأمین می‌کنند، ولی باز به‌دنبال مادر می‌روند و وقت زیادی را با او صرف می‌کنند. آرامشی که آنها از حضور مادر به‌دست می‌آورند، نمی‌تواند از نقش مادر در غذا دادن به آنها نشأت گرفته باشد. سلسله آزمایش‌های

۱- Jean Piaget (۱۸۶۹ - ۱۹۸۰)

۲- Attachment

معروفی که با میمون‌ها صورت گرفته، بیانگر آن است که در دل‌بستگی فرزند به مادر چیزی فراتر از نیاز به غذا مطرح است.

بچه میمون‌ها را اندکی پس از تولد از مادرشان جدا کردند و در کنار دو مادر مصنوعی که از توری سیمی با سرهای چوبی ساخته شده بودند، قرار دادند. تنه یکی از مادرهای مصنوعی از سیم لخت و تنه دیگری از لاستیک ابری با روکشی از پارچه پزدار بود که بچه میمون را به بغل کردن مادر مصنوعی و چسبیدن به او تشویق می‌کرد. هر دو مادر طوری ساخته شده بودند که بچه میمون‌ها می‌توانستند از بطری نصب شده به سینه آنها شیر بخورند.

هدف آزمایش پاسخ دادن به این سؤال بود که آیا بچه میمون به مادری خواهد چسبید که همیشه منبع غذا بوده است؟ نتایج آزمایش بسیار روشن بود. صرف‌نظر از اینکه کدام‌یک از دو مادر منبع تغذیه بود، بچه میمون‌ها به مادر پارچه‌ای می‌چسبیدند. این مادر کاملاً غیرفعال اما نرم، منبع امنیت برای بچه میمون بود.

گرچه نتایج حاصل از پژوهش با میمون‌ها را نمی‌توان بدون رعایت جوانب احتیاط به انسان تعمیم داد، اما شواهد حاکی از آن است که دل‌بستگی فرزند آدمی به مراقبان اولیه‌اش نقش مهم و مشابهی ایفا می‌کند. الگوی دل‌بستگی اولیه با نتیجه کنار آمدن کودک با تجربه‌های چند سال بعد نیز ارتباط دارد.

نقش پدر در دل‌بستگی

این بحث در کتاب بسیار مختصر مطرح شده است. هدف عمده یادآوری اهمیت نقش پدر در دل‌بستگی و جایگاه او در تربیت است. هنرآموزان می‌توانند این موضوع را در قالب محول کردن پژوهش‌های کلاسی و مطالعات موردی به هنرجویان، دنبال کنند.

هدف توانمندسازی ۳-۱: توانمندی‌ها و محدودیت‌های کودک را توضیح دهد.

خلق و خو

در ابتدای این فصل گفته شد که موضوعات را به زندگی روزمره هنرجویان ربط دهید و سعی داشته باشید مثال‌ها را از زندگی واقعی و جاری شروع کنید. چنین بحث‌هایی موقعیت بسیار مناسبی است تا هنرجویان را متوجه ویژگی‌های شخصیتی‌شان بکنید. وقتی از خلق و خو صحبت می‌کنیم، ویژگی‌های شخصیتی - عاطفی کم و بیش ثابتی هستند که هر کس با آنها شناخته می‌شود. مثلاً یکی در بیشتر اوقات خوش‌رو، خوش‌بین و سرحال است و دیگران او را خوش‌خلق می‌شناسند. یکی هم اغلب اوقات ترش‌رو و بدبین است و حوصله کسی را هم ندارد. همین که چنین مثال‌هایی بزنید،

هنرجویان مصادیق آن را بین خودشان نشان خواهند داد. از این فرصت باید برای راهنمایی و توسعه بهداشت روانی استفاده کرد. اگر هنرآموز در حوزه راهنمایی و مشاوره آگاهی داشته باشد، می‌تواند از آموزه‌های آن بهره‌برداری کند و رهنمودهایی برای شناخت خود و مدیریت رفتارها ارائه دهد. حداقل قضیه آن است که کتاب‌های مناسبی در زمینه‌های بهداشت روانی و روان‌شناسی سلامت معرفی کنید.

فعالیت ۳۳

این فعالیت را متناسب با شرایط مهدکودک انجام دهید. گاهی ممکن است امکاناتی در مهدکودک موجود باشد که با آنها بتوان فعالیت‌های مشابهی را طراحی کرد. هنرآموزان باید توجه داشته باشند که طبقه‌بندی آنان از ویژگی‌های خلقی کودکان، فقط برداشت خودشان است و الزاماً درست و قطعی نیست. هنگام در میان گذاشتن نتایج مشاهدات با مربی کودکان، مراقب باشید تا هنرجویان نظر خود را به‌عنوان تشخیص قطعی ارائه ندهند یا بر القای نظر خود اصرار نوزند. ناشی‌گری در چنین مواردی ممکن است موجب مقاومت مربی شود یا او را ناراحت کند.

نکته



به هنرجویان یادآوری کنید که با ورود به چنین مباحثی اجازه ندارند در مقام تشخیص قرار گیرند و هر کس را چه از دوستان و چه از کودکان، با اسم یا برچسبی معرفی کنند. این نوع موضوعات نباید اسباب تفریح و شوخی را فراهم سازد تا مثلاً به یکی بدخلق لقب دهند و دیگری را تندخو بنامند.

هدف توانمندسازی ۴-۱: فعالیت‌هایی برای پرورش بیان توانمندی‌ها و محدودیت‌های کودک طراحی و اجرا کند.

نقاشی

می‌دانید که نقاشی و کارکردهای آن برای کودکان در روان‌شناسی بسیار مورد توجه است. اهمیت این موضوع حتماً در دروس دیگر هم مطرح می‌شود. از چنین فرصت‌هایی بهره ببرید، مقالات و کتاب‌هایی در زمینه نقاشی کودکان معرفی کنید از جمله:

- نقاشی کودکان/ کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک، نوشته لوئیز کرمین. ترجمه پریخ دادستان و محمود منصور. انتشارات رشد.
- ارزیابی شخصیت کودکان براساس آزمون‌های ترسیمی، نوشته پریخ دادستان، انتشارات رشد.

■ نقاشی کودکان و مفاهیم آن، نوشته آنالیوریو فراری، ترجمه عبدالرضا صرافان، نشر داستان.

■ مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، نوشته گلین وی توماس و آنجل ام‌جی سیلک. ترجمه عباس مخبر، نشر طرح‌نو. (از این کتاب ترجمه دیگری نیز وجود دارد.)

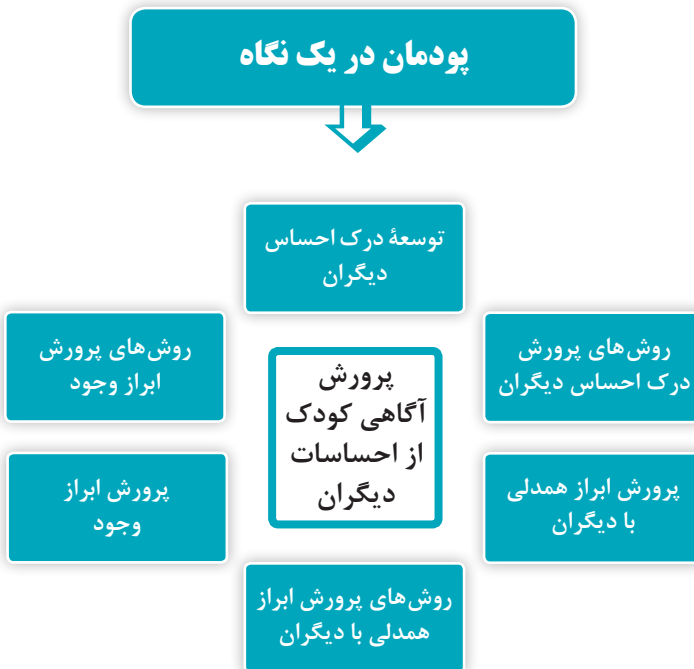
نقش‌یابی جنسیتی

دلایل زیادی وجود دارد که مردم جامعه ما باید متوجه نگرش‌های فرهنگی در شکل‌گیری نقش جنسیتی کودکان بشوند. برای مثال، اینکه رفتاری مانند دعوا کردن، برای پسر مجاز و برای دختر غیرمجاز باشد، هنوز بین عده‌ای رایج است. در دهه‌های اخیر بسیاری از باورهای فرهنگی در مورد توانایی‌های دختر و پسر تغییر کرده است، از جمله: درس خواندن و ادامه تحصیلات، ورود به بازارکار، محدودیت مشاغل و...

زمانی در کشور ما به همسر آقای دکتر، «خانم دکتر» می‌گفتند! اما امروز در بیشتر شهرها آن قدر خانم دکتر واقعی داریم که موضوع برای همه عادی شده است. هدف از بیان چنین بحثی این است که دخترها و پسرها توانایی‌ها و استعدادهای خود را بهتر بشناسند و به‌ویژه دخترها خودشان را بیشتر باور کنند.

واحد یادگیری ۲

پرورش آگاهی کودک از احساسات دیگران



این قسمت، دومین پودمان درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک است. زمان آموزش ۶۰ ساعت است که به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می‌شود. بسته آموزشی این واحد یادگیری شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این واحد یادگیری با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی است.

ابزار: لوازم التحریر، تصاویر، فیلم و پوستر آموزشی، کتاب همراه هنرجو، راهنمای هنرآموز

فضا: کارگاه یا کلاس فضای مرکز پیش از دبستان

هدف توانمندسازی ۱-۲: درک احساسات دیگران از طریق ارتباط کلامی و غیر کلامی را توضیح دهد.

توسعه درک احساس دیگران

تعریف رایج از «ارتباط» همان است که در کتاب آمده است. دکتر مهدی محسنیان‌راد، استاد و نظریه‌پرداز ارتباط‌شناس، در ویرایش جدید کتاب «ارتباط‌شناسی» تعریف متفاوت و دقیق‌تری از ارتباط داده است که در اینجا به اختصار تعریف جدید ارتباط برای اطلاع هنرآموزان ارائه شده است و توضیحات تکمیلی بیشتر، به منابع درج شده در پاورقی صفحه ۶۶ ارجاع داده می‌شود. ارتباط عبارت است از «جریان»، «فراگرد» یا «تراکنش» جابه‌جایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی»، مشروط بر آنکه معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی موردنظر از ارتباط‌گر باشد.

گاهی ارتباط یک‌طرفه است که می‌توان آن را «جریان» نامید. مثلاً صدها ماهواره‌ای که بر فراز شهرهای جهان، بدون کمترین تجسمی از ویژگی‌ها و مشخصات دریافت‌کنندگان برنامه‌ها، مشغول پخش برنامه هستند، تقریباً همان جریان یک‌طرفه را انجام می‌دهند. فرستندگان این برنامه‌ها هر قدر هم کوشش کنند که این جریان یک‌طرفه را به کمک تقاضا برای دریافت تلفن و ایمیل و غیره از بینندگان، تغییر دهند، باز هم ماهیت آن بیشتر «جریان» است.

ارتباط در بیشتر مواقع ماهیت «فراگرد» دارد، یعنی دوطرفه و به‌مثابه کنش متقابل است. مثلاً من دارم حرف می‌زنم، شما اخم می‌کنید؛ مسیر حرفم را عوض می‌کنم. البته فراگرد ارتباط همیشه به این سادگی نیست و موضوع، ابعاد پیچیده‌تری دارد. خصلت فراگردی ارتباط را در سخن حکمای سده‌های گذشته ایران نیز می‌توان دید. سعدی به تأثیر متقابل میان عناصر ارتباط توجه دارد و می‌گوید:

چو دشنام گویی، دعا نشنوی بجز کشته‌خویش، نذرّوی^۱

اگر بگوییم ارتباط، یک نوع «تراکنش» است، مقصود آن است که تنها با داشتن ارتباط‌گر خوب یا ارتباط‌گیر خوب، مسئله حل نمی‌شود، بلکه هر دو باید خوب باشند تا ارتباط خوب داشته باشیم. در الگوی تراکنشی، ارتباط چیزی نیست که ما برای دیگران انجامش می‌دهیم، بلکه چیزی است که ما به‌طور مشترک با آنها انجامش می‌دهیم. در نتیجه، موفقیت هر یک از دو طرف، وابسته به طرف دیگر هم هست. وقتی کنش متقابل بین دو نفر منجر به چیزی بیش از تبادل پیام‌های لفظی شود و آن دو به این درک مشترک برسند که یکدیگر را می‌فهمند، دوست دارند، می‌شناسند

۱- بوستان سعدی، باب هفتم، در عالم تربیت



و یا به هم نیاز دارند، آن‌گاه ارتباط ماهیت تراکنشی به خود می‌گیرد. مثلاً فرض کنید همسرتان به شما بگوید «لطفاً یک لیوان آب بدهید» و شما در جواب بگویید «چشم‌ا!». در این ارتباط، فقط یک پیام ساده فرستاده نشده، بلکه چیزی شگفت‌انگیز و فوق‌العاده رخ داده است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، دو نفر با یکدیگر صحبت کرده‌اند و اعتماد شکل گرفته است. به عبارت صحیح‌تر، «اعتماد» تراکنش شده است. دو نفر با هم مصاحبت می‌کنند و عشق به وجود می‌آید. پس، عشق تراکنش شده است.^۱

به هنرجویان توصیه کنید که داستان این فعالیت را با روایت خودشان نقل کنند. حتی می‌توانند نمایش را هم‌زمان با روایت، در قالب نمایشی که شخصیت‌های آن کودکان هستند، اجرا کنند.

هدف توانمندسازی ۲-۲: فعالیت‌های آموزشی برای پرورش درک احساسات دیگران طراحی و اجرا کند.

روش‌های پرورش درک احساس دیگران

آموزش زبان بدن: طرح موضوع «زبان بدن» در کلاس، بیشتر جنبهٔ مقدماتی دارد. به طور معمول چنین بحث‌هایی بین عده‌ای از هنرجویان طرفدار پیدا می‌کند و آنها علاقه‌مند می‌شوند موضوع را دنبال کنند. از این موقعیت می‌توان دو استفاده کرد: اول آنکه هنرجویان علاقه‌مند را ترغیب کرد تا با مطالعهٔ موضوع و دسترسی به اطلاعات بیشتر، گزارشی به کلاس بدهند. ارائهٔ موضوع به شکل پوستر و قالب‌های دیگر هنری هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. دوم آنکه لازم است هنرآموز با کتاب‌ها و منابعی آشنا باشد تا بتواند آنها را معرفی کند.

ایجاد موقعیت‌های گوناگون برای بیان احساسات

استفاده از چنین روش‌هایی مستلزم رعایت جوانب احتیاط از دو جهت است: **الف) شناخت مخاطب:** یعنی داشتن درک درست از شخصیت هنرجویان و ظرفیت عاطفی آنان. برای مثال، ممکن است از هنرجویی بخواهید که خودش را جای فردی بگذارد که پدر یا مادرش را از دست داده است در حالی که این اتفاق

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر از جزئیات این تعریف و دیدگاه‌های جدید در ارتباط‌شناسی، به منابع زیر مراجعه کنید:

- «ارتباط‌شناسی ۲» نوشته دکتر مهدی محسنیان راد، انتشارات سروش
- «معنی در پیام نیست»، فصل‌نامه رشد مدیریت، شماره ۱۱۶ - پاییز ۱۳۹۶ صص ۲۳ - ۱۸

واقعاً برای او روی داده است.

ب) شناخت موقعیت و توجه داشتن به شرایط هر رویداد یا خاطره: برای مثال، قرار گرفتن در یک موقعیت بسیار تلخ یا آزاردهنده شاید موضوع مناسبی برای طرح در کلاس نباشد.

فعالیت ۸



فیلم «خانه دوست کجاست؟» به کارگردانی زنده باد عباس کیارستمی، از فیلم‌هایی است که به لحاظ ابعاد انسانی و تربیتی آن بسیار معروف شد و تماشای آن برای همه توصیه می‌شود.

اگر علاقه‌مند بودید، خوب است این کتاب را ببینید و بخوانید:

«خانه دوست کجاست؟ وقایع‌نگاری پشت صحنه، فیلم‌نامه، نظر منتقدان و تماشاگران». فیلم‌نامه از عباس کیارستمی و وقایع‌نگاری پشت صحنه از کیومرث پوراحمد است. چاپ اول کتاب را در سال ۱۳۹۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرده است.

اگر امکان پخش فیلم فراهم نبود، می‌توانید از فعالیت‌های جایگزین استفاده کنید. برای مثال، امکان آن وجود دارد که سوژه فیلم به صورت خلاصه به نمایش تبدیل شده و توسط عده‌ای از هنرجویان اجرا شود. پیشنهاد دیگر این است که یک بازی ساده با جمله‌های نیمه‌تمام ترتیب دهید: اگر من جای بودم در جای خالی اول باید نقش‌ها یا موقعیت‌های اجتماعی را بنویسید؛ برای نمونه:

اگر من جای مادرم بودم

اگر من جای دوستم بودم

اگر من جای کسی بودم که با فردی دعوایش شده است

اگر من جای کسی بودم که اشتباهی مرتکب شده است

هر چه تعداد این موارد بیشتر باشد، امکان بهتری جهت ایجاد موقعیت‌های متنوع برای بیان احساسات پیش می‌آید. تمامی موارد را روی تکه‌های کوچک کاغذ بنویسید و در گلدان یا ظرفی بیندازید. از هنرجویان بخواهید هر کدام به‌طور تصادفی یکی از کاغذها را بردارد و احساس موجود در آن را از دیدگاه خودش بیان کند یا حتی نمایش دهد.

هدف توانمندسازی ۳-۲:

پرورش ابراز همدلی با دیگران را توضیح دهد.

پرورش ابراز همدلی با دیگران

همدلی را بُعد عاطفی ارتباط مؤثر می‌دانند که نتیجه آن، درک متقابل است. بنابراین، هدف عمده همدلی، درک متقابل و کنار آمدن منطقی با یکدیگر است. اگر به مفهوم همدلی، بعد شناختی را هم اضافه کنیم، آن‌گاه بحث تفاهم پیش می‌آید. تفاهم عبارت است از برقراری ارتباط همدلانه مبتنی بر فرایندهای شناختی. در بیشتر روابط انسانی، تفاهم بدون همدلی امکان‌پذیر نیست. انسان‌ها

ابتدا باید بتوانند همدیگر را بپذیرند و به هم احترام بگذارند تا به جایی برسند که امکان گفت‌وگویی توأم با مدارا و منطق فراهم شود.

در جریان همدلی پاسخ‌های عاطفی بین افراد رد و بدل می‌شود. هر چه این پاسخ‌ها مثبت‌تر و منطقی‌تر باشد، می‌توان به ماندگاری و ثبات همدلی امیدوارتر بود. هنرآموزی که هنرجویانش را درک می‌کند، به نیازها و خواسته‌های آنان پاسخ منطقی می‌دهد، رفتارشان قابل پیش‌بینی است و به اصطلاح دمدمی مزاج نیست، امواج همدلی را بیشتر در فضای کلاس منتشر می‌کند. در جریان زندگی زناشویی و فرزندپروری نیز، همه اعضای خانواده با پاسخ‌هایی که به همدیگر می‌دهند، می‌توانند نقش مثبت یا منفی در شکل‌گیری همدلی داشته باشند.

همدلی یکی از کلیدهای اصلی رضایت از زندگی است و در جنبه‌های فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. در فرهنگ‌هایی که همدلی و تفاهم جزء اصول زندگی مردم است، شادابی، رضایت و کارآمدی بیشتر است.

هدف توانمندسازی ۴-۲: فعالیت‌های آموزشی برای پرورش ابراز همدلی با دیگران طراحی و اجرا کنند.

روش‌های پرورش همدلی در کودکان

با استفاده از روش‌های پرورش همدلی که در تصویر نشان داده شده‌اند، می‌توانید این چالش را بین هنرجویان ایجاد کنید که به روش‌های دیگر هم بیندیشند. استفاده از روش بارش مغزی می‌تواند گام اول برای این چالش مهم باشد، اما در فرصت بعدی، باید ایده‌های پراکنده هنرجویان نظم یافته و طبقه‌بندی شوند تا از بین آنها روش‌های منطقی و عملیاتی بیرون آید.



نمودار ۲- روش‌های پرورش همدلی در کودکان

هدف توانمندسازی ۵-۲: ابراز وجود را توضیح دهد.

پرورش ابراز وجود

ابراز وجود را باید از زاویه برقراری ارتباط مؤثر نیز مورد توجه قرار داد. بخشی از ارتباط مؤثر معطوف به توانایی ابراز وجود است و فردی که بتواند افکار و احساسات خود را بیان کرده و با رفتاری معقول و منطقی از حقوق خود دفاع کند، روابط اجتماعی موفق تری خواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت، توانایی ابراز وجود، به معنای فرصت حضور یافتن دیگران و نشان دادن وجوه شخصیت خود از طریق برقراری ارتباط با آنان است.

فعالیت ۱۹



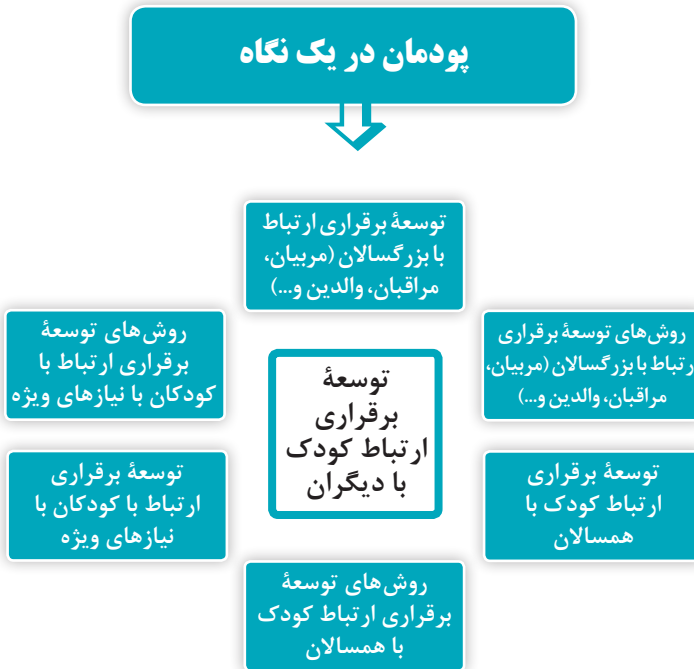
در اجرای این فعالیت به ویژگی‌های فرهنگ بومی منطقه توجه داشته باشید. مثال‌هایی را انتخاب کنید که با فرهنگ منطقه و محل زندگی هنرجویان تطابق داشته باشد. براساس همین ملاحظات فرهنگی، فراموش نکنید که گاهی ممکن است ابراز وجود با مفاهیمی مانند پرویی و گستاخی اشتباه گرفته شود.

هدف توانمندسازی ۶-۲: فعالیت‌های آموزشی برای پرورش ابراز وجود طراحی و اجرا کند.

روش‌های پرورش ابراز وجود

پرهیز از زیاده‌روی در واکنش یا سرکوب احساسات کودک: مواجهه با احساسات کودک بستگی به تجربه و سبک تربیتی مربی و والدین دارد. یکی از الزامات آماده کردن کودک برای داشتن رفتار مستقل، مواجهه درست با احساسات اوست. همان‌طور که نادیده گرفتن احساسات کودک آثار سوء روانی و تربیتی دارد، زیاده‌روی در پاسخ دادن به احساسات او و همچنین کم‌حوصلگی و بی‌تابی در برابر بعضی احساسات کودک، نادرست است. قرار نیست مربی یا والدین در برابر هر اخم، گریه و یا لجاجت کودک، واکنش سریع نشان دهند. ممکن است کودک با درک حساسیت مربی یا والدین، به رفتارهای تصنعی و نمایشی روی آورد. هنگام رفتارهایی چون گریه، پرخاشگری و لجاجت کودک هم نباید از واژه‌هایی استفاده کرد که احساسات او را سرکوب کند و گاهی حتی باعث تحقیر کودک شود.

واحد یادگیری ۳ توسعه برقراری ارتباط کودک با دیگران



این قسمت، سومین پودمان درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک است. زمان آموزش ۶۰ ساعت است که به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می‌شود. بسته آموزشی این واحد یادگیری شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این واحد یادگیری با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی است.

ابزار: لوازم التحریر، تصاویر، فیلم و پوستر آموزشی، کتاب همراه هنرجو، راهنمای هنرآموز

فضا: کارگاه یا کلاس، فضای مرکز پیش از دبستان

هدف توانمندسازی ۲-۳: فعالیت‌های آموزشی برای توسعه برقراری ارتباط کودک با بزرگسالان، طراحی و اجرا کند.

روش‌های توسعه برقراری ارتباط کودک با بزرگسالان

در روش‌های برقراری ارتباط کودک با بزرگسالان توصیه‌هایی در کتاب شده است، اما نباید فراموش کنیم که به کار بستن چنین روش‌هایی، موضوعی دوسویه است. ضمن آنکه می‌توانیم مهارت‌های ارتباطی کودک با بزرگسالان را پرورش دهیم، باید توجه داشته باشیم که خود مربی یا والدین تا چه اندازه از چنین مهارت‌هایی برخوردار هستند. در جریان تدریس لازم است هنرآموز تأملی بر مهارت‌های ارتباطی خودش داشته باشد و از طرفی نیز به هنرجویان یادآور شود که به ارزیابی مهارت‌های ارتباطی خودشان پردازند.

برای مثال، مربی یا والدین باید ببینند که آیا هنگام گفت‌وگو با فرد مقابل، ارتباط چشمی برقرار می‌کنند؟ آیا حالات چهره آنان تناسبی با احساسات و عواطف موضوع گفت‌وگو دارد؟ آیا آغازگر ارتباط و گفت‌وگو هستند یا منتظر می‌مانند دیگران به سراغ آنها بیایند؟ آیا هنگام ضرورت، از آشنایان و اطرافیان درخواست کمک می‌کنند یا خیر؟ و مواردی از این قبیل.

بنابراین، شاید لازم باشد فعالیت ۵، پیش از آنکه در یک مرکز پیش از دبستان به اجرا درآید، ابتدا در کلاس درس با هنرجویان تمرین شود.

هدف توانمندسازی ۴-۳: فعالیت‌هایی برای توسعه برقراری ارتباط کودک با همسالان طراحی و اجرا کند.

مهارت آموزشی کودک از همسالان

موضوع «یاری کودک به کودک» از مباحث تربیتی مهمی است که باید بسیار مورد توجه مربیان و والدین قرار گیرد. در گذشته‌های نه چندان دور که تعداد فرزندان خانواده‌ها زیاد بود، قسمت عمده‌ای از اقدامات مراقبتی و تربیتی از کودکان در فرایند یاری کودکان به کودکان انجام می‌شد. در واقع، کودک بزرگ‌تر ناخواسته در مسیری قرار می‌گرفت که بخشی از وظایف مربوط به نگهداری از برادر یا خواهر کوچک‌تر به او محول می‌شد. این رویه هم معایب و هم محاسنی داشت و شاید یکی از محاسن مهم آن تقویت حس مسئولیت‌پذیری در فرزندان خانواده بود. تغییرات سبک زندگی و به‌ویژه روش والدین در تلاش برای تأمین هر نوع آسایش

فرزندان، موجب شد روش یاری کودک به کودک به تدریج کنار گذاشته شود. در آموزش‌های پیش‌دبستانی و دبستان هم اگر چه یاری کودک به کودک کم‌وبیش ادامه یافت، اما ماهیت آن تغییر کرد. بنابراین، موضوع این فصل، یعنی مهارت‌آموزی کودک از همسالان را از زاویه یاری کودک به کودک هم مورد تأیید و تأکید قرار دهید. اگر حس کار گروهی و مشارکت در کلاس تقویت شود و مربی در عمل، کلاس را به صورت یک گروه و تیم ببیند، کودکان کمک به یکدیگر را امری عادی تلقی خواهند کرد.

آموزش مهارت‌های اجتماعی

در کتاب به برخی ویژگی‌های مهارت اجتماعی اشاره شده است. به دلیل اینکه شناخت ویژگی‌ها می‌تواند در درک بهتر مفهوم مهارت‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد، در ادامه نکاتی برای مطالعه آمده است. ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان متنوع و گسترده است. بعضی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

- ۱ ارتباط فرد به فرد که شامل تبادل و تفسیر پیام‌هاست.
 - ۲ علاوه بر شخصیت فرد، تجارب گذشته و تعامل بین فردی او نیز در رسیدن به هدف مؤثر است.
 - ۳ به صورت کلامی (سخن، لغات یا جملات) یا غیرکلامی (استفاده از چشم، تن صدا، بیان چهره‌ای و ژست‌ها) انجام می‌گیرد.
 - ۴ از فرهنگ و گروه اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، تأثیر می‌پذیرد.
 - ۵ از طریق تقویت اجتماعی رشد می‌یابد. تقویت در صورتی مؤثر است که مورد علاقه فرد بوده و برانگیزاننده باشد.
 - ۶ طبیعت دوجانبه دارد و رفتارهای دوسویه را می‌طلبد. از عوامل محیطی، سن، جنس و موقعیت دیگر افراد، تأثیر می‌پذیرد.
- مایکسون و دیگران (۱۹۸۲)، به نقل از هارجی و همکاران، (۱۹۹۴)^۱ در ارزیابی نشانه‌های مهارت‌های اجتماعی به شش عنصر اصلی اشاره می‌کنند:
- ۱ مهارت‌های اجتماعی به طور معمول آموخته می‌شوند.
 - ۲ شامل مجموعه‌ای از رفتارهای کلامی و غیرکلامی گوناگون و ویژه‌اند.
 - ۳ مستلزم داوطلب شدن و ارائه پاسخ‌های مناسب و مؤثرند.
 - ۴ تقویت‌های اجتماعی دیگران را به حداکثر می‌رسانند.
 - ۵ ماهیتی تعاملی دارند و به زمان‌بندی مناسب و تأثیر متقابل برخی از رفتارها احتیاج دارند.

۱- Hargie, O. Saunders, C. Dickson, D. (1994). Social Skills in Interpersonal Communication: Third Edition. London, Rutledge publication.

۶ تحت تأثیر عوامل محیطی همچون سن، جنس و پایگاه طرف مقابل هستند. تراور (۱۹۸۰) به نقل از کارتلج و میلبرن^۱ (۱۹۸۵) مهارت‌های اجتماعی را به دو بعد اجزای مهارت و فرایندهای مهارت تقسیم می‌کنند. اجزای مهارت را فرایندهای واحدی نظیر نگاه، تکان دادن سر یا رفتارهایی در روابط اجتماعی مانند سلام و خداحافظی تشکیل می‌دهند. فرایندهای اجتماعی به توانایی فرد در ایجاد رفتار ماهرانه براساس قواعد و اهداف مربوط و در پاسخ به بازخوردهای اجتماعی اشاره دارد. این تمایز نیاز فرد را به نظارت بر موقعیت‌ها و تغییر رفتار در برابر واکنش سایر افراد می‌سنجد. ایسلر و فردریکسن (۱۹۸۰) به نقل از کارتلج و میلبرن (۱۹۸۵) مهارت‌های اجتماعی را هم دارای جنبه‌های مشهود و هم دارای عناصر شناختی نامشهود می‌دانند. عناصر شناختی نامشهود، افکار و تصمیماتی است که باید در ارتباطات متقابل بعدی گرفته شود یا انجام گیرد. این عناصر همچنین مقاصد و بینش فرد دیگری را شامل می‌شود که واکنش در برابر آن احتمالاً بر اندیشه‌های طرف مقابل تأثیر می‌گذارد. مهارت‌های اجتماعی شامل رفتارهایی است که در تعامل موفق و مناسب با دیگران به کار می‌رود و این مهارت‌ها با داشتن پایه در شناخت اجتماعی از قبیل ادراک اجتماعی و استدلال اجتماعی، ظهور می‌یابند. مورگان (۱۹۸۰)، به نقل از کارتلج و میلبرن (۱۹۸۵)، به این نکته اشاره دارد که مهارت‌های اجتماعی نه تنها امکان شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت را با دیگران فراهم می‌آورد، بلکه توانایی نیل به اهداف ارتباط را نیز در شخص ایجاد می‌کند. کنش متقابل اجتماعی را به یک فرایند مرحله‌ای که هر مرحله نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌های متفاوت است، تجزیه کرده‌اند:

مرحله اول ارتباط، نیازمند مهارت‌های گیرندگی است که شامل توجه کردن و درک درست اطلاعات اجتماعی متناسب با موقعیت‌ها است. انتخاب رفتار اجتماعی درست، بستگی زیادی به شناخت صحیح نشانه‌های میان فردی و محیطی دارد که ما را به پاسخ‌های مؤثر رهنمون می‌شوند. مثال‌های مهارت‌های گیرندگی شامل شناخت متناسب اشخاصی است که با آنها تعامل می‌کنیم و شناخت صحیح احساسات و امیالی که دیگران بیان می‌کنند. به عبارتی، شنیدن صحیح آنچه دیگران بیان می‌کنند و دانستن اهداف شخصی فردی که با ما تعامل می‌کند. (ده‌بزرگی، ۱۳۷۵)^۲.

مرحله دوم ارتباط، مستلزم مهارت‌های پردازشی است. برای موفق شدن در رویارویی میان فردی باید بدانیم که می‌خواهیم چه چیزی را به دست آوریم و چگونه می‌توانیم

۱- جی، کارتلج و جی. اف. میلبرن، آموزش مهارت‌های اجتماعی، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.

۲- ده‌بزرگی، غلامرضا؛ بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در درمان افسردگی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۵.

به بهترین وجه آن را کسب کنیم؟ انتخاب مهارت‌هایی که برای کسب اهداف نزدیک مؤثرتر هستند، مستلزم توانایی حل مشکل به شیوه منظم و سازمان یافته است. بعد از درک صحیح اطلاعات اجتماعی متناسب با موقعیت (مهارت‌های گیرندگی) و شناخت مهارت‌های لازم برای تعامل (مهارت‌های پردازش) باید مهارت‌ها را به طرز شایسته‌ای برای تکمیل موفقیت‌آمیز مبادله‌های میان‌فردی به اجرا درآوریم.

مرحله سوم ارتباط، مستلزم مهارت‌های فرستندگی رفتارهای واقعی درگیر در تبادل اجتماعی است. مهارت‌های فرستندگی شامل محتوای کلامی یا آنچه که بیان می‌شود و هم اینکه چگونه پیام با دیگران ارتباط پیدا می‌کند، است. ارتباط خوب مستلزم درک صحیح اجتماعی (مهارت‌های گیرندگی) و توانایی برنامه‌ریزی شناختی (مهارت‌های پردازش) قبل از دادن یک پاسخ رفتار مؤثر (مهارت فرستندگی) است. در مجموع هارچی و همکاران (۱۹۹۴) در مورد رفتارهای اجتماعی ماهرانه بر این نکات و ویژگی‌ها تأکید دارند:

۱ هدفمند هستند. ما از این رفتارها برای کسب نتایج مطلوب استفاده می‌کنیم. بنابراین، برخلاف سایر رفتارها که اتفاقی یا غیرعمدی هستند، مهارت‌های اجتماعی هدف دارند.

۲ با توانایی‌ها مرتبط هستند. یعنی آنها رفتارهای متفاوتی هستند که به منظور دستیابی به هدف ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند و ما به طور هم‌زمان از آنها استفاده می‌کنیم.

۳ مناسب با وضعیت هستند. فردی از لحاظ اجتماعی ماهر است که بتواند رفتارهایش را متناسب با انتظارات دیگران تغییر دهد. به این ترتیب، داشتن ارتباط ماهرانه بستگی به استفاده صحیح (از لحاظ بافتی) و تسهیل‌کننده (از لحاظ رفتاری) از شیوه‌های برقراری ارتباط مناسب و کارآمد با دیگران دارد.

۴ واحدهای رفتاری مجزایی هستند. فردی که از لحاظ اجتماعی مهارت دارد، قادر است رفتارهای مختلف و مناسبی داشته باشد. این توانایی‌های اجتماعی را در قالب عملکرد، یک رفتار پی‌ریزی می‌کند. این نکته یکی از ویژگی‌های بارز ارتباط اجتماعی ماهرانه است. در حال حاضر تمامی پژوهشگران اتفاق نظر دارند که اکثر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند.

۵ افراد بر این مهارت‌ها کنترل شناختی دارند. بنابراین، کسی که از لحاظ اجتماعی کمبود مهارت دارد، ممکن است عناصر اصلی مهارت اجتماعی را فراگرفته باشد، اما فرایندهای فکری لازم برای استفاده از این عناصر در تعاملات خود بی‌بهره باشد.

هدف توانمندسازی ۳-۶: فعالیت‌هایی برای توسعه برقراری ارتباط با کودکان با نیازهای ویژه طراحی و اجرا کند.

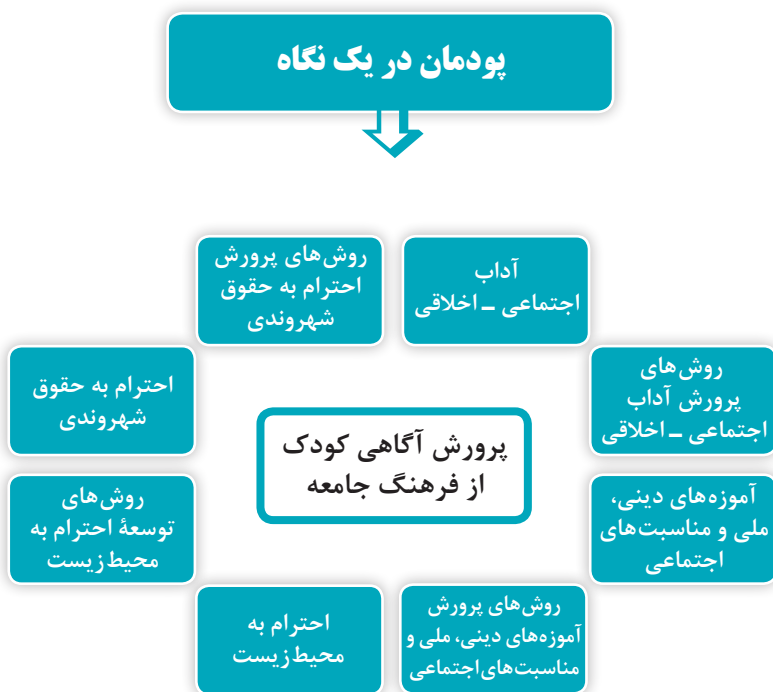
روش‌های ارتباط با کودکان با نیازهای ویژه

همواره در ارتباط با کودکان دارای نیازهای ویژه، ضرورت‌هایی برای رعایت در رفتار و گفتار وجود دارد. علاوه بر نکات اشاره شده در کتاب، موارد زیر برای آگاهی بیشتر هنرجویان در مواجهه با اینگونه کودکان دارای نیازهای ویژه قابل توجه است.

- کودک با نیازهای ویژه لازم است با خرده مهارت‌های ارتباط آشنا شود و بتواند اجزای ارتباط را به روشنی دریافت کند.
- برای آگاهی این گروه از کودکان، آموزش مستقیم در برقراری ارتباط با اطرافیان، بیشتر راه‌گشاست.
- در اختیار قرار دادن انواع الگوهای اجتماعی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به آنها ضروری است. این گروه از کودکان می‌توانند با دریافت الگوهای عینی مانند مشاهده نمایش و فیلم و ایفای نقش از سوی همسالان به خوبی مفاهیم را در ذهن خود الگوسازی نمایند.
- توجه داشتن به رفتارهای مطلوب و مورد انتظار، بیش از تمرکز بر رفتارهای خارج از انتظار از سوی مربی، می‌تواند به رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان با نیازهای ویژه بینجامد. هر چند این امر در مورد سایر کودکان نیز صادق است، اما این تأکید موجب یادآوری اهمیت آن در برخورد با کودکان با نیازهای ویژه و تسریع در آموزش آنها می‌شود.
- آموزش مداوم و هماهنگی با والدین از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار در آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان با نیازهای ویژه است که می‌تواند موجب تقویت رفتار کودک از طریق هماهنگی انتظارات اطرافیان از او شود.
- اعطای مسئولیت‌های در حد توان کودک با نیازهای ویژه در محیط مهد و تلاش برای ایجاد ارتباط او با کودکان دیگر از طریق انجام وظایف اجتماعی، در این باره سودمند است.
- بهره‌گیری و سرمایه‌گذاری از فرصت‌های طبیعی و اتفاقات معمول در مهد برای ایجاد و تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان با نیازهای ویژه بسیار مهم و تأثیرگذار است.
- هماهنگی مربیان و دیگر افراد مرتبط با کودکان در محیط مهد در خصوص چگونگی رفتار مناسب با کودکان دارای نیازهای ویژه بسیار ضروری است.

- مشاهده و رصد فعالیت‌های کودکان توسط مربی و تأیید مواردی که کودک دارای نیازهای ویژه بدون هدایت و یا کمک مربی رفتارهای اجتماعی درستی از خود نشان می‌دهد، ضروری است.
- پرهیز از ایجاد رقابت و موقعیت‌هایی که در آن مقایسه فردی ایجاد می‌شود، در مهارت‌آموزی اجتماعی این کودکان بسیار مؤثر است.
- تأکید و ایجاد موقعیت‌های مبتنی بر انجام کار گروهی از فرصت‌های ناب تأثیرگذار در اجتماعی‌شدن کودکان به ویژه کودکان با نیازهای ویژه است.
- نظارت و حضور مربی در انجام فعالیت‌های گروهی بسیار اهمیت دارد تا تقسیم نقش‌ها و وظایف در گروه، مطابق توانایی و امکان تأثیرگذاری مثبت کودک دارای نیازهای ویژه صورت گیرد.
- تأیید و تشویق رفتارهای کودکان دیگر در ایجاد و حفظ ارتباط با کودکان دارای نیازهای ویژه نیز در مهارت‌آموزی اجتماعی کودکان جایگاه مؤثری دارد.

واحد یادگیری ۴ پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه



پرورش آگاهی کودک از فرهنگ جامعه

این قسمت، چهارمین پودمان درس پرورش مهارت های عاطفی - اجتماعی کودک است. زمان آموزش ۶۰ ساعت است که به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می شود. بسته آموزشی این واحد یادگیری شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این واحد یادگیری با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی است.

ابزار: لوازم التحریر، تصاویر، فیلم و پوستر آموزشی، کتاب همراه هنرجو، راهنمای هنرآموز

فضا: کارگاه یا کلاس، فضای مرکز از پیش دبستان

هدف توانمندسازی ۱-۴: روش‌های پرورش آداب اجتماعی - اخلاقی در کودکان را توضیح دهد.

پرورش آداب اجتماعی - اخلاقی

برای «فرهنگ»، ده‌ها تعریف وجود دارد. هر یک از اندیشمندان حوزه‌های علمی گوناگون از زاویه‌ای به فرهنگ نگریسته و تعریف خاص خود را ارائه کرده‌اند. در کتاب حاضر، نگاه تربیتی غلبه دارد و هدف آن بوده است که هنرجویان کارکردهای فرهنگ را در اقدامات خود تشخیص دهند. برای مثال، هم وقتی در تلاش برای معرفی میراث گذشتگان هستیم، کاری فرهنگی می‌کنیم و هم وقتی سعی در توسعه کتابخوانی به‌عنوان یک ارزش در جامعه امروز داریم، کارمان فرهنگی است. بر مبنای تعریف ارائه شده در این کتاب، می‌توان حیطه‌هایی را برای فرهنگ و تربیت فرهنگی برشمرد از جمله:

- **میراث گذشتگان:** آشنایی با تاریخ کهن، آثار باستانی، متون ادبی، کتاب‌ها و منابع دیگر.
- **مفاخر و آثار معاصر:** آشنایی با مفاخر ملی و محلی در زمینه‌های گوناگون و همچنین آثار و اقدامات آنان.
- **ارزش‌ها، باورها و اخلاقیات:** آشنایی با مفاهیم و اصول انسانی و معنوی که از گذشته تا به امروز برای همگان قابل احترام بوده است.
- **نشانه‌های هویتی:** آشنایی با انواع آداب و رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی که جزئی از زندگی مردم شده است.
- **زبان و ادبیات:** آشنایی با اصالت‌های زبان مادری و زبان رسمی و کارکردهای مثبت و منفی آنها در قالب گفت‌وگوهای روزمره، شعر، ضرب‌المثل، اصطلاحات جدید و غیره.
- **زندگی در دنیای امروز:** آشنایی با تأثیرات فرهنگی مثبت و منفی پدیده‌های امروزی مانند تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و غیره.
- **شناخت و ارتباط‌های بین‌فرهنگی:** آشنایی با خرده‌فرهنگ‌های ملی و همچنین زمینه‌سازی برای چگونگی شناخت فرهنگ‌های کشورهای دیگر و ارزیابی کارکردهای مثبت و منفی آنها.

نظریه‌ها و اخلاق

گفتیم که نظریه لارنس کلبِرگ که براساس پژوهش‌های ژان پیاژه شکل گرفته است، معروف‌ترین نظریه رشد اخلاقی است. با توجه به کارکردهای نظریه کلبِرگ و نیازهای هنرجویان، اشاره کوتاهی به آن می‌کنیم.

کلبرگ دیدگاه خود را در سه سطح و شش مرحله به صورت زنجیره‌ای، توضیح می‌دهد. او معتقد است رشد اخلاقی بر استدلال اخلاقی مبتنی است، یعنی وقتی فرد دربارهٔ موضوعی داوری می‌کند، فقط کافی نیست که نظر مثبت یا منفی داشته باشد، بلکه باید به استدلال‌ها و دلایل او توجه کرد. همچنین این نظریه بر ارتباط رشد اخلاقی با رشد اجتماعی تأکید دارد. خلاصهٔ نظریهٔ کلبرگ در جدول زیر آمده است.

جدول سطوح و مراحل رشد اخلاقی در نظریهٔ کلبرگ

سطح	مرحله	موضوع	محتوای مرحله
اول اخلاق پیش‌عرفی	۱	جهت‌گیری اطاعت و تنبیه	تفکر مبتنی بر اطاعت از منبع قدرت و اجتناب از تنبیه
	۲	جهت‌گیری فردگرایی و مبادله	پیروی براساس پاداش جوئی و منافع شخصی
دوم اخلاق عرفی	۳	ارتباطات بین‌فردی خوب	کسب تأیید و تلاش برای دختر یا پسر خوب بودن
	۴	حفظ نظم اجتماعی	هم‌نوایی با مقررات اجتماعی و قوانین
سوم اخلاق پس‌عرفی	۵	وظیفهٔ اجتماعی و حقوق فردی	همراهی با اصول مقبول جامعه و قراردادهای اجتماعی
	۶	اخلاق همگانی (وجدان انفرادی)	داوری براساس اصول اخلاقی فردی

کودکان پیش از دبستان در سطح اول قرار می‌گیرند. اگر چه نظریهٔ کلبرگ بسیار مورد نقد قرار گرفته است، اما کم‌وبیش توضیح می‌دهد که رشد اخلاقی چگونه پیش می‌رود و والدین و هنرآموزان در تربیت اخلاقی باید به چه نکاتی توجه کنند.

هدف توانمندسازی ۳-۴: نحوهٔ پرورش آموزه‌های دینی، ملی و مناسبت‌های اجتماعی را توضیح دهد.

پرورش آموزه‌های دینی، ملی و مناسبت‌های اجتماعی



نمودار ۳- روش‌های آموزش آموزه‌های دینی و ملی

در روش‌های بیان شده برای پرورش آموزه‌های دینی و ملی اصراری بر روش‌های بیانی و توضیحی نیست. در واقع، در پرورش عاطفی و اجتماعی کودک می‌توان به دو روش کلی سلبی و ایجابی توجه داشت.

تربیت زمانی که براساس دستور، پند و اندرز و رهنمودهای مستقیم باشد، ایجابی است. یعنی وقتی به فرزندتان می‌گویید که این کار را بکن و آن کار را نکن، این خوب است و آن بد است و به تعبیر دیگر، دنبال یاد دادن، عادت دادن و دخالت کردن هستید، از روش‌های ایجابی استفاده کرده‌اید. در مقابل، تربیت سلبی مبتنی بر ایجاد فرصت‌هایی برای فرزندان جهت اندیشیدن، ارزیابی، انتخاب، خودفعالی و خودانگیختگی و همچنین رهنمودهای غیرمستقیم است. والدینی که از روش‌های سلبی استفاده می‌کنند، اهل صبر و حوصله هستند و برای تربیت، وقت بیشتری می‌گذارند. آنها الزاماً دنبال تغییر دادن، عادت دادن، سرعت بخشیدن به رشد، آموزش دادن، شکل دادن، دخالت کردن، الگو دادن، نصیحت کردن، پاسخ دادن به نیازها، سازگار کردن، نقش بازی کردن و امثال آن نیستند.

تصور کنید فرزندتان سؤالی از شما پرسیده است، مشکلی به‌جود آورده است، گاهی

دروغ می‌گوید، انگیزه لازم برای پیشرفت را ندارد و موارد دیگر؛ در روش ایجابی، باید بلافاصله دست به کار شوید و روش‌ها و تدابیری را بیابید که هر چه زودتر وضعیت را تغییر دهد. در روش سلبی، اول با بررسی جوانب موضوع، باید ببینید چه کارهایی را نباید بکنید و بعد از آن، چه مسیری را طراحی کنید تا فرزندان به شناخت و خودآگاهی برسند، فعالانه و با انگیزه‌های درونی موضوع را دنبال کند و در نهایت، خودش تصمیم مناسب را بگیرد.

تربیتی که می‌خواهد معنویت‌گرا و مبتنی بر خود شکوفایی و کمال باشد، هم در هدف‌ها و هم در روش‌ها متفاوت خواهد بود. این نوع از تربیت، باید اهداف اصیل و راستین را دنبال کند و اهداف آن نمی‌تواند صرفاً هنجاری و تقلیدی از دیگران باشد. در روش‌ها هم، تربیت سلبی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، در مورد تربیت مذهبی باید از تحمیل و اعمال فشار اجتناب شود. مربیان و والدینی که به تربیت مذهبی اهمیت می‌دهند، باید از ملاحظت و ملایمت بیشتری برخوردار باشند. آنها هم باید به ارتقای شناخت و آگاهی کودک کمک کنند و هم در انجام واجبات و فرائض دینی، صبر و حوصله به خرج دهند.

هدف توانمندسازی ۴-۵: روش‌های پرورش احترام به محیط زیست را توضیح دهد.

پرورش احترام به محیط زیست

موضوع محیط زیست در حال حاضر به یکی از تهدیدهای جدی کشور ما تبدیل شده است. نماد شاخص چنین بحرانی، خشک شدن دریاچه ارومیه است، اما با مسائل بی‌شمار دیگری هم مواجه هستیم که شاید اهمیت آنها کمتر از دریاچه ارومیه نیست، از جمله تخریب خاک، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی دیگر، تخریب زیستگاه‌های حیوانات وحشی، آلودگی هوا در شهرهای بزرگ، معضل ریزگردها در شهرهای جنوب و غرب کشور، مخاطرات خشک‌سالی، بحران آب و بلاهایی که مردم بر سر گردشگاه‌ها، دریاها، جاده‌ها، کوه‌ها و زندگی شهری می‌آورند.

اینکه نظام فرهنگی و اجتماعی ما تا چه اندازه به این موضوعات اهمیت داده و آنها را در اولویت‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قرار می‌دهد، بحث دیگری است، اما مدارس و خانواده‌ها می‌توانند با اهمیت دادن به موضوع و درک عمیق از آنچه بر سرشان می‌آید و خرابی‌هایی که برای نسل آینده و کودکان و نوجوانان به ارث خواهند گذاشت، وارد گود شوند و نقش جدی‌تری در حفظ محیط زیست ایفا کنند. بخشی از این نقش، به مسئولیت‌پذیری فردی و اقدامات شاید ساده‌ای مربوط می‌شود که هر خانواده می‌تواند انجام دهد.

هر چه ضرورت‌های احترام به محیط‌زیست و اقدامات لازم مورد تأکید قرار گیرد، باز هم کم است. سعی کنید هم فعالیت‌های ذکر شده در این قسمت را با جدیت انجام دهید و هم در صورت امکان، فعالیت‌های خلاقانه دیگری طراحی و اجرا کنید. نکته مهم دیگر این است که در فضای آموزشگاه و کلاس نیز آموزه‌های محیط‌زیستی رعایت شوند و همه در این باره احساس مسئولیت و تعهد کنند.

هدف توانمندسازی ۷-۴: مفهوم شهروندی را توضیح دهد.

پرورش احترام به حقوق شهروندی

شهروند و شهروندی به محل زندگی یا روستایی و شهری بودن ارتباطی ندارد. شهروند به کسی گفته می‌شود که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی جایی که زندگی می‌کند، مشارکت مستقیم و فعالی داشته باشد. شهروندی مفهومی دوسویه است؛ یک وجه شهروندی، شناخت مسئولیت‌ها و وظایف خود و وجه دیگری، آشنایی با حق و حقوق فردی و اجتماعی و پیگیری آنهاست. یکی از مشکلات جامعه امروز ما، درک ناقص و معیوب از مفهوم شهروندی است. بسیاری از ما به خیلی از اموری که اطرافمان می‌گذرد، ایراد می‌گیریم، اما خودمان زمینه‌ساز مشکلات دیگری هستیم. به عبارتی، به جای آنکه خودمان تلاش کنیم تا شهروند خوبی باشیم، فقط از دیگران ایراد می‌گیریم. ما نه تنها نیاز به درک درستی از مفهوم شهروندی داریم، بلکه لازم است به چالش‌های ناشی از این موضوع هم بیشتر بیندیشیم، از جمله وجود آسیب‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی، دلایل عدم مشارکت شهروندان، شناخت مسئولیت‌ها و خروج از نگاه تک‌بعدی و احساس حق‌به‌جانب بودن در مسائل شهروندی.

هدف توانمندسازی ۸-۴: فعالیت‌های آموزشی برای پرورش احترام به حقوق شهروندی طراحی و اجرا کند.

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی آمیزه‌ای از مسئولیت‌ها و وظایف شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت است. ما عادت داریم وقتی از رعایت حال همدیگر صحبت می‌کنیم، ماجرای سوزن و جوالدوز را وسط بکشیم و بگوییم: «یک سوزن به خودت، یک جوالدوز به دیگران!»؛ در حالی که حقوق شهروندی داستان سوزن و جوالدوز

نیست، البته داستان گل و بلبل هم نیست؛ بلکه روایتی قانونمند و منطقی از امتیازهایی است که هم مسئولیت آورند و هم منجر به مشارکت می‌شوند. مهم‌ترین حاصل رعایت حقوق شهروندی، شهروندی پویاست که مفهومی فراتر از شهروند خوب و وظیفه‌شناس است. بخش عمده‌ای از تحقق شهروند پویا در گرو درک دوسویه از حقوق شهروندی است. لازم نیست سوزنی به خودمان بزنییم تا زدن جوالدوز به دیگران را توجیه کنیم، لازم است با حقوق شهروندی آشنا باشیم، مسئولیت‌های متقابل را بشناسیم و در عرصه‌های اجتماعی مشارکت داشته باشیم. مانند بسیاری دیگر از مباحث کتاب «پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی»، موضوعات محیط‌زیست و شهروندی هم ارتباطی مستقیم با زندگی واقعی و جاری هنرجویان دارند. بنابراین، پیش از آنکه از هنرجویان بخواهیم که آموزه‌های محیط‌زیست و شهروندی را چگونه در مورد کودکان به کار گیرند، باید چالشی شخصی برای خود هنرجویان به وجود آوریم. برای مثال، از آنان بپرسید:

- اگر در زمینه حقوق شهروندی اطلاعاتی دارید، به این بیندیشید که چگونه می‌توانید دیگران را در این مورد سهیم سازید؟ شما چه نقشی می‌توانید در توسعه آموزش حقوق شهروندی داشته باشید؟

- اگر در زمینه حقوق شهروندی اطلاعات کافی ندارید، به این بیندیشید که از چه منابعی می‌توانید اطلاعاتی معتبر و درست به دست آورید؟ آیا از آموزش‌هایی که در فرهنگ‌سراها، خانه‌های فرهنگ و سایر نهادهای فرهنگی جریان دارند، مطلع هستید؟ - آیا می‌دانید در کدام اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به حقوق شهروندی اشاره شده است؟ به این منظور، اصول ۱۹ تا ۴۲ را بخوانید.

فعالیت ۲۹



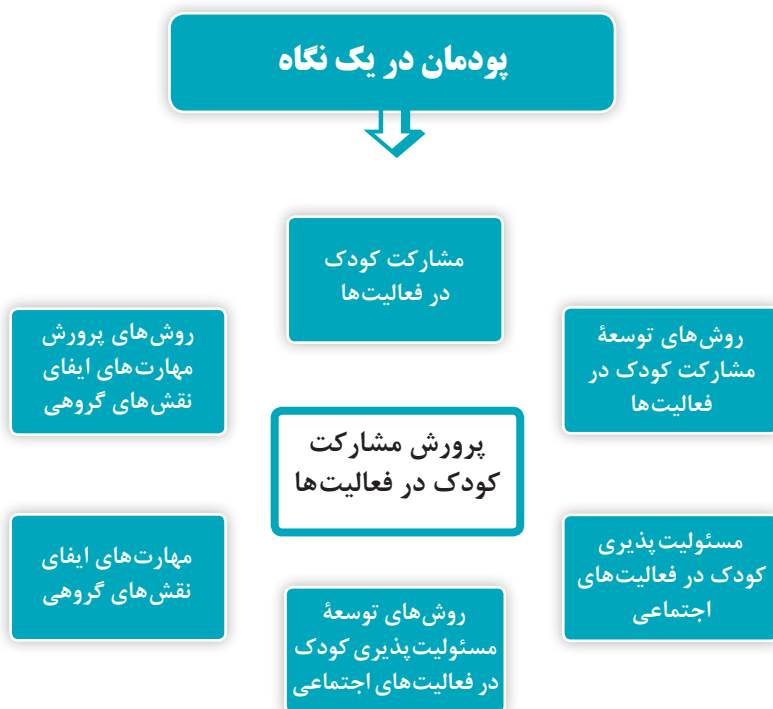
از هنرجویان بخواهید با استفاده از متن «بیشتر بدانیم» و فعالیت ۲۹ در کلاس، پیمان‌نامه‌ای برای رعایت شهروندی بنویسند و همه آن را امضا کنند. سعی کنید این پیمان‌نامه کلیشه‌ای و تشریفاتی نباشد و در آن، مشکلات محلی و اقتضائات بومی مورد توجه قرار گیرد.

روش‌هایی برای آموزش حقوق شهروندی به کودکان

از هنرجویان بخواهید تا برای آموزش حقوق شهروندی به کودکان، به روش‌های دیگر نیز بیندیشند. آنان را به مطالعه تجربه‌های موفق کشورهای دیگر دعوت کنید و بخواهید که موانع و مشکلات موجود برای تحقق حقوق شهروندی در فرهنگ ایران را بررسی و تحلیل کنند.

تشکیل NGOهای داخلی توسط هنرجویان برای اموری مانند محیط‌زیست، خیریه، بازیافت، حمایت از کودکان و امثال آن، می‌تواند تمرین خوبی در این مسیر باشد.

واحد یادگیری ۵ پرورش مشارکت کودک در فعالیت‌ها



این قسمت، پنجمین پودمان درس پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی کودک است. زمان آموزش ۶۰ ساعت است که به صورت ۲۴ ساعت نظری و ۳۶ ساعت عملی تدریس می‌شود. بسته آموزشی این واحد یادگیری شامل کتاب درسی، کتاب راهنمای هنرآموز و کتاب همراه هنرجو، فیلم و پوستر آموزشی است. مسیر یادگیری و ساعت آموزشی هر مرحله از این واحد یادگیری با احتساب ۴۰٪ نظری و ۶۰٪ عملی است.

ابزار: لوازم التحریر، تصاویر، فیلم و پوستر آموزشی، کتاب همراه هنرجو، راهنمای هنرآموز

فضا: کارگاه یا کلاس و فضای مرکز پیش از دبستان

هدف توانمندسازی ۱-۵: مشارکت کودک در فعالیت‌ها را توضیح دهد.

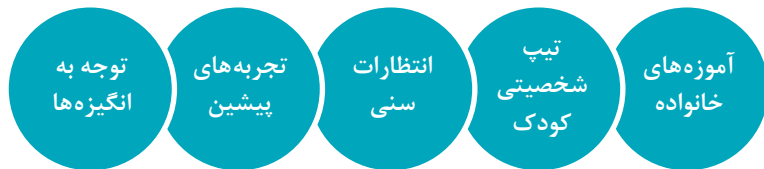
توسعه مشارکت کودک در فعالیت‌ها

مشارکت اجتماعی یعنی حضور فعال در عرصه‌های رسمی و احساس تعلق به جامعه. برعکس افکاری که به رودررویی انسان‌ها می‌انجامد و چشم‌وهم‌چشمی، رقابت، جدال و تخاصم نتیجه آن است، مشارکت، به هویت اجتماعی انسان‌ها دامن می‌زند و آنان را به هم نزدیک می‌کند.

مشارکت، به قدمت تاریخ بشر پیشینه دارد، چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون همبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است. از دیر زمان، مشارکت را جوهره زندگی آدمی تعریف کرده‌اند. در فرهنگ سنتی ایران انواع گوناگونی از مشارکت شناسایی شده است و این بدان معناست که ما از گذشته‌های دور، مردمی اهل همکاری و مشارکت بوده‌ایم.^۱

شاید یک بُعد از مشارکت، به تقویت رفتارهای اجتماعی در کودک معطوف باشد، اما مهم‌تر از آن، مشارکت، بخشی از هویت فرهنگی ماست. بنابراین، باید نگاهی وسیع‌تر و جامع‌تر به پرورش مشارکت داشت و آن را ضرورتی فرهنگی و اجتماعی تلقی کرد.

عوامل مؤثر در مشارکت



نمودار ۴- عوامل مؤثر در مشارکت کودکان

در این بحث پنج عامل مورد توجه قرار گرفته است، اما می‌توان با بهره‌گیری از خلاقیت و مشارکت هنرجویان عوامل دیگری را هم افزود. هر یک از عوامل یاد شده اهمیت خود را دارند، با این همه لازم می‌دانیم بر دو عامل تأکید کنیم:

تیپ شخصیتی کودک، از ظرایف جلب مشارکت کودکان است. مری باید ببیند هر کودک چه ویژگی خُلقی دارد و برای هر کدام چگونه باید شرایط مشارکت را

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توانید کتاب «انسان‌شناسی یاریگری»، نوشته مرتضی فرهادی، انتشارات حبله‌رود (سمنان) را مطالعه کنید.

فراهم کند. کودکی که همیشه در جمع نقش پیرو را دارد و از دیگران تبعیت می‌کند، نمی‌تواند به یک‌باره نقش رهبر گروه را ایفا کند. همچنین نمی‌توان از همهٔ کودکان انتظار داشت که همیشه پیشرو و رهبر باشند. بنابراین، کودکی که بنا بر تجربه‌های پیشین، همیشه نقش رهبری داشته است، با اجبار و محدودیت نمی‌تواند از نقش خود خارج شود و شخصیت پیرو به خود بگیرد. اگر روح مشارکت در فضای کلاس موجود باشد، مربی بهتر خواهد توانست کودکان را برای پذیرفتن نقش‌های گوناگون مشارکتی آماده سازد.

تجربه‌های پیشین مشارکت نیز در مورد کودکان بسیار اهمیت دارد. اگر پیامدهای پیشین مشارکت برای کودک منفی بوده باشد، طبعاً او به سختی حضور در جمع و یاری و مشارکت را خواهد پذیرفت. اگر مربی می‌بیند که کودکی در برابر مشارکت مقاومت می‌کند، ضمن توجه به تیپ شخصیتی او، لازم است در مورد تجربه‌های پیشین او هم اطلاعاتی جمع‌آوری کند.

روش‌هایی برای مشارکت کودک

تأملی بر کارکردهای رقابت: «رقابت» ضمن آنکه یک بحث انگیزشی است، از نظر عاطفی و اجتماعی هم باید مورد تأمل قرارگیرد. کسانی که از رقابت سخن می‌گویند و آن را ترغیب و تشویق می‌کنند، بر جنبه‌های مثبت آن دست می‌گذارند، اما به وجوه منفی رقابت کمتر توجه می‌کنند. رقابت با بسیاری از پدیده‌های تربیتی سازگار نیست، از جمله: خلاقیت، لذت‌یادگیری، مشارکت، خودکنترلی و انگیزش درونی. رقابت می‌تواند گشودهٔ مشارکت باشد. هنرآموز، مدیر یا مادر و پدری که رقابت به‌شدت بر افکار او غلبه دارد، هر چه هم از همکاری و مشارکت سخن بگوید، در عمل، کودک را به سوی رودررویی و مقابله می‌کشاند. کاربرد رقابت آنچنان عادی و ضروری به‌نظر می‌رسد که بیشتر به چگونگی ترغیب و تشویق افراد به رقابت می‌اندیشیم و تصور چندانی دربارهٔ تبعات آن نداریم. چه در سطح کلاس و مدرسه و چه در سطح خانواده، زمینه‌های بسیاری برای رقابت ایجاد می‌کنیم و گاهی وجود جو رقابتی را امتیازی برای فعالیت‌های خود می‌دانیم. با این همه، کارکردها و آثار رقابت باید بیشتر مورد تأمل قرار گیرد. واقعیت‌هایی دربارهٔ رقابت وجود دارند که خوب است آنها را بدانیم:

- 1 مبنای اولیه و اصلی رقابت، مقایسهٔ افراد با یکدیگر است.
- 2 در رقابت، همیشه برنده و بازنده وجود دارد.
- 3 در رقابت، تعداد بازنده‌ها بیشتر از برنده‌هاست.
- 4 در پایان رقابت، توجه به برنده‌ها به اندازه‌ای زیاد است که به‌طور معمول، بازنده‌ها فراموش می‌شوند.
- 5 رقابت بیشتر به نفع قوی‌ترهاست نه ضعیف‌ها.

۶ کنترل رقابت و تعیین محدوده و نقطه پایان برای آن، اغلب ناممکن است.

۷ نتایج به ظاهر مثبت رقابت در مورد چند نفر برنده، موجب غفلت از آثار سوء آن در بازنده‌ها می‌شود.

برمبنای همین واقعیت‌ها، حداقل می‌توان به مدیر، هنرآموز، هنرجویان و والدین توصیه کرد که در استفاده از رقابت، احتیاط بیشتری به خرج دهند و البته با افزایش مطالعه و آگاهی‌های خود، جایگزین‌های رقابت را بشناسند. امروزه در نظام‌های تربیتی جهان نیز تلاش فردی و مشارکت، بیش از رودررویی و رقابت مورد تأکید قرار می‌گیرد.

شاید ورود به چنین بحثی، چالشی جدی را برای مدرسه آغاز کند. دست کشیدن از روش‌هایی از قبیل انواع کارت‌های تشویقی، تخصیص امتیاز، غرفه جوایز، اعلام اسامی افراد به اصطلاح برتر و نصب تصاویر آنان بر تابلو، تمرکز بر نمره، ترغیب به رقابت و تأکید بر رتبه، شاید کار راحتی نباشد. امروزه، جهت‌گیری مباحث انگیزشی کاملاً تغییر یافته و به جای جایزه و رقابت، تلاش فردی و نیز همکاری و مشارکت مورد تأکید قرار می‌گیرد.

انگیزش به‌طور کلی موضوعی درونی است و منبع آن هر چه باشد، باید موتور محرکی در درون انسان راه بیفتد تا او کاری را انجام دهد. اما درباره منبع انگیزش، دوگونه بحث وجود دارد. گاهی محرک انگیزشی انسان از بیرون است و به اصطلاح چیزی باید فرد را هل بدهد تا او انگیزه‌ای برای فعالیت و پیشرفت پیدا کند. افرادی هم هستند که چندان منتظر محرک‌های بیرونی نمی‌مانند و براساس اهداف و اصولی که در زندگی‌شان دارند، انگیزه‌ها را از درون خود می‌جویند. با همین توضیح ساده، منبع انگیزش را به دو گروه بیرونی و درونی تقسیم می‌کنیم. به این ترتیب، وقتی فرد با تشویق و تأیید دیگران، به قصد رقابت یا کسب برتری و به دست آوردن امتیاز یا جایزه، برای فعالیت و پیشرفت انگیزه می‌گیرد، منبع انگیزش او بیرونی است. کسی هم که به خاطر رضایت درونی، ارتقای نتایج شخصی و استفاده از حداکثر توانایی‌های خود تلاش می‌کند، منبع انگیزش او درونی است. به عبارتی، می‌توانیم بگوییم دو نوع انگیزش داریم: انگیزش بیرونی و انگیزش درونی.

در فرایند تربیت، هم به انگیزش بیرونی و هم به انگیزش درونی نیاز داریم، اما حتی اگر جایزه‌ای می‌دهیم و تشویقی می‌کنیم، غایت اصلی آن است که انگیزه‌های درونی افراد تقویت شوند. از نظر تربیتی، نباید همه چیز در تشویق، رقابت، جایزه و پاداش خلاصه شود، بلکه باید کمک کنیم تا هنرجویان به خودکنترلی، خودنظم‌دهی و خودانگیزختگی برسند.^۱

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توانید کتاب «مدرسه بدون رقابت»، نوشته ابراهیم اصلانی، نشر دوران را مطالعه کنید.

هدف توانمندسازی ۳-۵: **مسئولیت‌پذیری در کودکان را توضیح دهد.**

مشارکت یعنی ساختن زندگی

حتماً این حدیث معروف پیامبر اکرم(ص) را شنیده‌اید: دنیا مزرعهٔ آخرت است. یک بُعد این حدیث، ارتباط بین دنیا و آخرت را روشن می‌کند، اما بُعد دیگر آن به این موضوع اشاره دارد که دنیا محل ساختن، آباد کردن و همکاری است. به دنیا نیامده‌ایم که روزگار خود را فقط با چشم‌وهم‌چشمی، رودررویی، رقابت و جدل بگذرانیم. دنیا فرصتی برای مهرورزی، نوع‌دوستی، مشارکت و یاریگری است. مطالب واحد یادگیری ۵ را با این دید دنبال کنید که نگاه خود را به مفاهیمی چون مشارکت، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی و بودن در کنار دیگران تغییر دهید. مشارکت فقط حضور در کارگروهی نیست، بلکه دل به کار دادن و احساس تعهد در قبال دیگران است.

در مورد کودکان نیز باید روحیهٔ مشارکت و یاریگری را تقویت کرد تا آنها یاد بگیرند: همدیگر را دوست بدارند، اهل مقایسه و رقابت نباشند، خود را مسئول بدانند و از بودن در کنار همدیگر و یاری رساندن به هم، لذت ببرند.

مسئولیت‌پذیری کودک در فعالیت‌های اجتماعی

در رابطه با فعالیت‌های این بخش لازم به یادآوری است که آموزه‌های دینی و ملی بهانه‌ها و فرصت‌های نابی هستند تا زمینه را برای افزایش و تقویت توانایی‌های مخاطبان فراهم آورند. بنابراین، نباید در طول انجام کار فراموش کرد که هدف از فعالیت‌های ۱۴ و ۱۵ و مشابه آن، صرفاً نمایش دادن برای کودکان یا هنرجویان نیست، بلکه آنها از طریق برعهده گرفتن مسئولیت‌هایی در طول انجام فعالیت و درگیر شدن با محتوای فعالیت، می‌توانند به صورت مشخصی با اهمیت آموزه‌های دینی و ملی و مناسبت‌های اجتماعی آشنا شوند.

تعریفی که در کتاب برای مسئولیت‌پذیری ارائه شده است، مبتنی بر دو بُعد است:
* انجام وظیفهٔ شخصی؛

* تأمین انتظارات (پذیرش تکالیف و خواسته‌های والدین و مربیان).

بر این اساس، مسئولیت‌پذیری از تعهد شخص در قبال خودش شروع می‌شود و به تعهد فرد در برابر جامعه می‌رسد. تبیین این دو بعد هم برای هنرجویان و هم برای کودکان اهمیت زیادی دارد. اگر کمی وسیع‌تر به موضوع نگاه کنیم، این تعهد می‌تواند شامل خویشتن، خدا، خلق خدا و خلقت بشود.

ویژگی های رفتار مسئولیت پذیر

به پنج ویژگی ذکر شده باید به صورت تعاملی توجه کرد، یعنی مسئولیت پذیری شامل همه این موارد است و نه اینکه یکی دو ویژگی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از بقیه غفلت شود. در این باره هم تأکید می شود که ابتدا خود هنرجویان را با موضوع درگیر کنید. تطبیق ویژگی های مسئولیت پذیری با شرایط خود می تواند تبدیل به چالشی شخصی و درونی شود.

یکی از ویژگی هایی که برای نسل امروز جای تأمل بیشتری دارد، «احساس تعهد» است. خوب است بر روی این موضوع وقت و حوصله بیشتری صرف کنید. بحث های چالشی و فرصت دادن به هنرجویان برای بررسی و تحلیل ابعاد موضوع می تواند آنان را به تأمل بیشتر در افکار و رفتارشان در خصوص احساس تعهد وادار نماید.

فعالیت ۱۹



در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، از چهار عرصه ارتباط تربی با خود، خدا، خلق و خلقت، با محوریت ارتباط با خدا صحبت شده است. در توضیح این عرصه ها آمده است:

با توجه به اینکه تعلیم و تربیت فرایند تکوین و تعالی هویت متریبان است و هویت متریبان برآیند نوع ارتباط آنان با خدا، خود، خلق و خلقت است؛ بنابراین اهداف تربیت با توجه به این عرصه ها قابل تبیین خواهد بود. این عرصه ها به گونه ای جامع، یکپارچه و منطقی کلیه ساحت های تربیتی را دربرمی گیرد. مفهوم واژه های مورد نظر در عرصه ها به ترتیب زیر است:

خداوند: صفات و افعال خدا، پیامبران و اوصیای آنها، اولیای الهی، کتاب خدا و دین خدا؛

خود: ابعاد جسمانی، روانی و روحانی؛

خلق: خانواده، همسایگان، جامعه محلی، جامعه ملی، جامعه اسلامی و جامعه

جهانی اعم از دوست و دشمن؛

خلقت: طبیعت (زمین، آب، محیط زیست و...) و ماورای طبیعت (حیات ابدی،

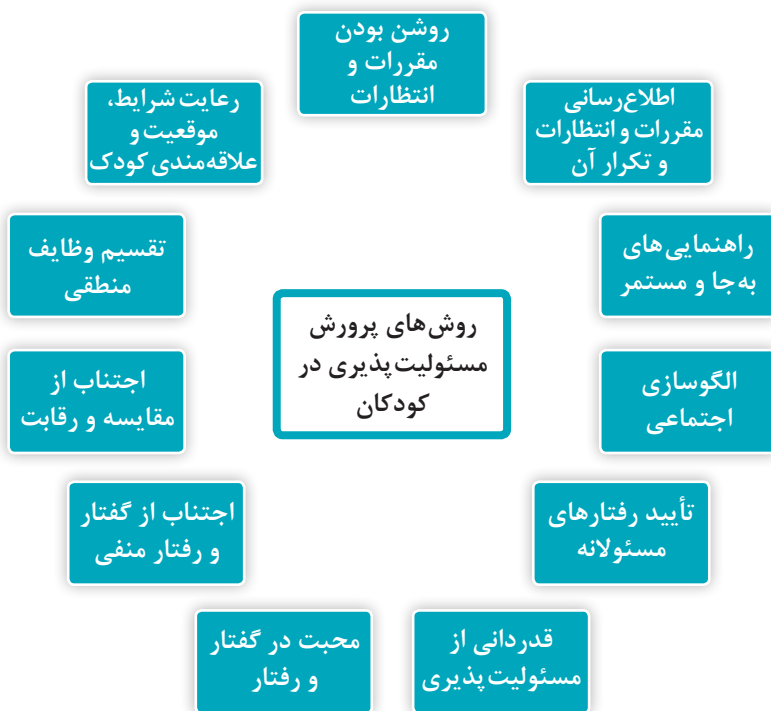
جهان آخرت، ملائکه و...).

هدف عمده از فعالیت پیشنهادی آن است که همه بتوانیم شاخص های مسئولیت پذیری را با چهار عرصه زندگی تطبیق دهیم و از این مسیر، تحلیل هایی عینی و شفاف از افکار و رفتار خود داشته باشیم. برای سهولت انتقال هدف فعالیت، نمونه هایی در جدول ذکر شده است، اما هر کس می تواند مطابق برداشت خود، خانه های جدول را تکمیل کند.

۱- ساحت های تعلیم و تربیت بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت اند از: اعتقادی، عبادی و اخلاقی/ اجتماعی و سیاسی/ زیستی و بدنی/ زیبایی شناختی و هنری/ اقتصادی و حرفه ای/ علمی و فناورانه.

هدف توانمندسازی ۴-۵: فعالیت‌های آموزشی برای پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان طراحی و اجرا کنید.

روش‌های پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان



نمودار ۵- روش‌های پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان

مسئولیت‌پذیری از مفاهیمی نیست که فقط با روش‌های توصیفی و توضیحی آموزش داده شود. با دقت در شش روش بیان شده، درمی‌یابیم که گفتن و توضیح دادن فقط در مواردی به کار رفته است که مقررات و انتظاراتی روشن و شفاف باشند، اطلاع‌رسانی انجام گیرد، راهنمایی صورت پذیرد و گفت‌وگویی برای تقسیم وظایف پیش آید. بخشی از این روش‌ها مبتنی بر رفتارهای ایجابی و بخشی نیز سلبی است. فراموش نکنیم که گاهی انجام ندادن کاری، روشی بهتر برای پرورش مسئولیت‌پذیری است. برای مثال، همین که از گفتار و رفتار منفی اجتناب کنیم،

دست به مقایسه و رقابت ننزیم و تجربه‌های اشتباه کودک را به رخ او نکشیم، برای مسئولیت‌پذیری فضای بهتری فراهم خواهد شد.

فعالیت ۲۴



خوب است منابعی را برای این فعالیت پیش‌بینی و آماده کرده باشید. به هنرجویان یادآوری کنید که به یافته‌های اینترنتی متکی نباشند، چرا که بیشتر مطالب از این دست، سندیت ندارند و قابل اعتماد نیستند.

به این نکته ظریف هم توجه داشته باشید که سمت‌وسوی چنین مطالعاتی به طرف مقایسه فرهنگ مسئولیت‌پذیری در ایران با بعضی کشورها نرود. اگر این نوع مطالعات فقط در جهت بیان کاستی‌ها و معایب مسئولیت‌پذیری در ایران صورت گیرد، نتیجه‌ای جز احساس ضعف و تحقیر نخواهد داشت. بنابراین، به هنرجویان بگویید که دو فرهنگ انتخابی ممکن است شامل دو استان از ایران، دو فرهنگ از یک قاره، دو کشور از دو قاره و امثال آن باشد. اگر یک طرف قضیه ایران است، هم به جنبه‌های مثبت و هم به جنبه‌های منفی پرداخته شود. نگاهی به فرهنگ سنتی ایران نیز می‌تواند نکات جالبی را به هنرجویان نشان دهد.

هدف توانمندسازی ۵-۵: نقش اجتماعی را توضیح دهد.

توسعه ایفای نقش‌های گروهی در مراکز پیش از دبستان

در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، موضوع «گروه» یکی از مباحث اساسی و مهم محسوب می‌شود. به این ترتیب، رشته «پویایی گروه» به وجود آمد که به بررسی و تحلیل نقش و تأثیر گروه و رفتار گروهی می‌پردازد. موضوعاتی مانند وضع و اهداف گروه، ساخت گروه، گرایش‌ها و رفتارهای گروهی، رفتار اعضا و فرایندهای درونی گروه، در این رشته مورد توجه هستند. بحث دربارهٔ مسائلی مانند همکاری، رقابت، کشمکش، نفوذ، نقش‌های گروهی، الگوگیری، محبوبیت و طرد در گروه، هنجارها و ... نیز در پویایی گروه اهمیت زیادی دارند.

«پویایی گروه» در دانشگاه‌های ایران در قالب درسی چند واحدی برای رشته‌های گوناگون ارائه می‌شود و کتاب‌هایی هم برای این درس منتشر شده‌اند.^۱ پس از پایان هر پودمان، لازم است هنرجویان موارد زیر را با راهنمایی هنرآموز در کلاس انجام دهند:

تمرین کنید

برای مروری بر فصل و کسب شایستگی در هنرجویان، از آنها بخواهید قسمت «تمرین کنید» را انجام دهند و پرسش‌های خود را در این زمینه در کلاس مطرح کنند.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه پویایی گروه به کتاب «پویایی گروه» تألیف دکتر عبدالله شفیق آبادی، انتشارات رشد مراجعه کنید.

خودارزیابی

بعد از اتمام پودمان، از هنرجویان بخواهید با توجه به راهنمای «خودارزیابی» آن را کامل کرده و نتیجه را بررسی نمایند. در صورت مشاهده مواردی که بیانگر کمبود آموخته‌های هنرجویان است آنها را راهنمایی کرده و مطالب را در زمینهٔ مربوطه، با آنها مرور کنید و اشکالات موجود را با طراحی تمرینات مختلف رفع نمایید.